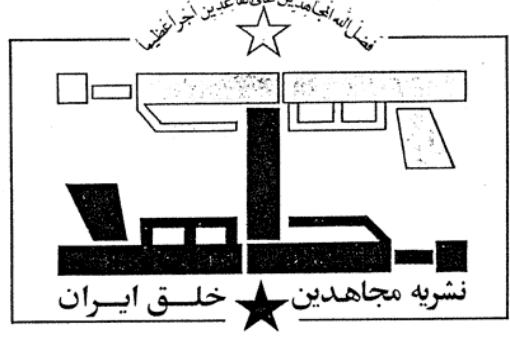


اطلاعیه مجاهدین خلق ایران راجع به منتفی شدن نامزدی برادر مجاهد مسعود رجوی ریاست جمهوری

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران متعاقب فرمایشات امام خمینی مبنی بر نفی نامزدی کسانی که به قانون اساسی رای مثبت ندادند، گزاره‌گیری نامزد انتخاباتی خود برادر مجاهد مسعود رجوی را به اطلاع عموم می‌رساند.
تقدیر صفحه ۸



سال اول - شماره ۲۰ - شنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

پس از کنارگیری کاندیدای ما، دیگر هیچگونه رأی ریختن بنام مسعود رجوی به صندوقها موردی ندارد

مجاهدین خلق ایران اعلام می‌نمایند که: در برابر انبوه سوالات تلفنی، کتبی و شفاهی در رابطه با موضع مجاهدین خلق در انتخابات، چنانکه در اعلامیه سازمان منتشر است، پس از کنارگیری کاندیدای مطلوب ما، طبیعتاً دیگر در این مرحله موجهی برای شرکتان در انتخابات ریاست جمهوری باقی نمی‌ماند. همچنین ضمن تشکر مجدد، از میلیونها هموطن آزاده‌ای که نسبت به برادر مجاهد، مسعود رجوی ابراز اعتماد نمودند، بایستی مجدداً تأکید کنیم که دیگر هیچگونه رأی ریختن بنام مسعود رجوی به صندوقها موردی ندارد. و بخصوص یادآور می‌شویم که این کار صرفاً از غیراصولی بودن آن می‌تواند از جانب مغرضین به انتقاد مختلف، مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

پیام مسعود رجوی به کلیه نیروها و شخصیت‌هایی که از نامزدی او برای ریاست جمهوری حمایت کرده‌اند



پیام به خلق

و نیز تکمیر حتی نعلها امپا هردی سنگرد الصابری و نیز اخبار کمر...
در تحقیق دین از بنام شما را،

... تا نگا که قنایسم درون ساینم با مجاهدین شما و برادران و یارها
و بی‌زاییم فخرها را و مکلرهما تان را...

مردم تهران ایران و تمامی آزادمگان که از نامزدی من برادر مسعود رجوی حمایت کرده‌اند
گازران، دهقانان، سرداران و پیشوایان انقلاب ارتش

بیشتر دوران، اصناف، کارمندان، شرف...
وزیرکاران و قهرمانان گران،

آرت ما که در دستگیر است و از دستگیر، طلب و در دستگیر عزیز،
مهرشان از همه کلمین، بسیجی، زوروشن،

ملیت‌های ستم‌زده که در سرنگن و در جوج و در جوج
نیروهای انقلاب، اعزباب، سزانه، و کهن با جمیعت ما و فرزندان و پس‌های ما،

شغیعت‌های شجره ریاسی و فرهنگ‌های ما می‌تواند؟
تقدیر صفحه ۲

حملة سراسری ارتجاع به مراکز و هواداران مجاهدین خلق بعد از نامزدی ریاست جمهوری برادر مجاهد مسعود رجوی!

نیروهای انقلابی در این انتخابات، که جزئی جداناپذیر از کل مبارزه ضد امپریالیستی خلفان میباشد، حضوری فعال پیدا کنند.
حمایت‌های بیشمار مردم‌مان از کاندیداتوری برادر مجاهد مسعود رجوی هر روز افزایش می‌یافت، بطوری که به برادرمان مسعود رجوی و برنامه‌های اعلام شده‌اش که برخاسته از آزادهای میلیونها تن و مرد آزاده این مهن بود، به عنوان تنها تکیه‌گاه و تکیه در صفحه ۷

به دنبال معرفی برادر مجاهد مسعود رجوی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران حرکت جدیدی در روند مبارزات ضد امپریالیستی خلفان گنوده شد و نوری تازه و انقلابی فضای انتخابات را برپا ساخت. این عمل تاریخی سازمان مجاهدین که در یکی از حساسترین مراحل حیات سیاسی جامعه ما صورت میگرفت، باعث شد که تازمبا تمامی اجزای سازمانها و گروهها، خصوصاً

ناریحانه شکل‌گیری ضد اطلاعات و شمه‌ای از توپنه‌های آن

طی حیاتش پیوسته، و رابطه‌اش با سایر پدیده‌های دور و نزدیک را بررسی کرد. بنابر این باید به اوضاع سیاسی - اجتماعی هر مقطع و پیوندش با ارتش و در نهایت ضد اطلاعات توجه داشت. باید فعالیت‌های امپریالیسم در بوجود آوردن آن را دید. تا بتوان بی به مابهت و مکلر آن برد، نکته‌ای که تذکرتش ضروری است اینکه ارتش وابسته و ضد اطلاعات به آن بعنوان جزئی از سیستم حاکم، نمی‌تواند از تغییر و تحولات سیاسی روز جدا باشد. کودتای رضاشاه، حاشیتهی تدریجی امپریالیسم آمریکا بجای انگلستان، جنگ جهانی دوم کودتای ۲۸ مرداد و... همه و همه تأثیر فاطمی در شکل‌گیری و تحولات ارتش و تمام اجزای و ارکان آن داشتند.
تقدیر صفحه ۱۱

علیرغم سلطه جهانی ضد اطلاعات و ساواک در ارتش، سرگرد مجبی هانز خفکان و دیکتاتوری ارتش را به مسخره می‌گرفتند
در قسمت قبل به ضرورت وجود ضد اطلاعات در ارتش‌های ارتجاعی که با رهنمودهای امپریالیسم هدایت می‌شوند، پی بردیم. دیدیم که چگونه ضد اطلاعات در زمان رژیم گذشته سلطه جهانی‌اش را بر حیات و هستی پرسنل ارتش بطور خاص، و در سطح جامعه بطور عام گسترده نمود. و تبدیل به یکی از سرگرای تعیین‌کننده وجود و بقای ارتش و رژیم دست‌نشانده پهلوی شده‌بود و امتثال پالیزبان و

روز شنبه شهادت ما شهادت امام حسن عسکری است.
امام حسن عسکری یکی از چهره‌های درخشان نسل انقلابی شیخ سرخ است. نسلی که سوگند خورده تا محو هرگونه ظلم و استثمار آرام ننشیند. بدین مناسبت رهروان و شاگردان پیشوا، یار دیگر پیام می‌بندند که همواره همپون وی، از حق محروم، از آزادی محروم، از نعمت و آزار و آزار با خستوزی تمام استقبال نمایند و بکنتر از هفتاد سال از هر چیز دیگر بمانند.
تقدیر صفحه ۲

نقش واحدهای میلیشیادار انتخابات ریاست جمهوری

از آنجا که فقط و فقط در جریان عمل انقلابی است که ساخته می‌شویم لذا باید با آغوش باز به استقبال شرایط هر مرحله برویم.

در شرایط تاریخی که ما زندگی می‌کنیم، خلقهای تحت ستم شیوه‌های گوناگون مبارزه بر علیه امپریالیسم را آزمایش کرده‌اند. تجربه حاصل از این مبارزات چنین می‌گوید که امپریالیسم با شیوه‌های ضد خلقی و قهرور ختم و خشونت ضد خلقی تلاش در سرکوب خلقها دارد.
لذا، خلقها نیز باید به شیوه‌های متناسب برای درهم شکستن دشمن اصلی‌شان (امپریالیسم) متوسل شوند اما مبارزه با امپریالیسم در چهار گوشه جهان نسخه واحدی نیست که به یک شیوه بتوان در همه جا با او مبارزه کرد بلکه شیوه‌های مبارزه با امپریالیسم "کالا" با واقعیتها و زمینه‌های اجتماعی هر جامعه تناسب دارد. بطور مثال در جامعه خودمان در زمان حاکمیت رژیم سرنگون شده پهلوی، با اوج‌گیری مبارزات مردمی بخصوص قیام قهرمانانه ۱۵ خرداد و اختناق رژیم شاه، دیگر باشیوه‌های پارلمانی و صرفاً سیاسی، بدون دست بردن به

سلاح و بدون متوسل شدن به قهر و خشم انقلابی نمیشد مبارزه را پیش برد. به همانگونه که صرفاً "باتوسل به سلاح بدون مبارزه" سیاسی و افتخارانه نتیجه قابل بدست نمی‌آید.
در دوران خفقان مطلق شاه که هر حرکت حق‌طلبانه و اعتراضی و ساده‌ترین شکل‌های مبارزه، تحمن، اعتصاب و... با وحشیانه‌ترین حملات نظامی پلیسی سرکوب میشد، برای آزادی خلق از بندگی امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده پهلوی بایستی به مبارزه مسلحانه اتمیم به شکل چریکی اقدام می‌کردیم. در حالی که در شرایط کنونی که رژیم شاه سقوط کرده، برای ادامه انقلاب و قطع ریشه‌های امپریالیسم از این آب و خاک، در عین اعتقاد به منی مسلحانه بعنوان راه درازمدت مبارزه بر علیه امپریالیسم، متناسب‌ترین تاکتیک را که سیاسی و افتخارانه است بکار می‌گیریم. و اصولاً در مرحله فعلی مبارزه در شکل سیاسی‌اش صورت می‌گیرد. چرا که

علی نگران سرنوشت خلق و انقلاب

اکنون بدست لشکر علی کشه شده‌اند. مخصوصاً "که آدم مقدس ماب و صاف و ساده‌ای چون "ابوسوسا شری" که برای بسیاری سبیل مسلمانی بود (و متأسفانه جامعه ما نیز با این نوع مسلمانان برخورد دارد) اصولاً جنگ میان دو گروه مسلمان را حرام میدانست.
گلاویز شدن با صاحببهای پیغمبر و زن او برآستی خبیله غمگین خواستگاری با در نظر گرفتن سطح پایشان از برای مردم آن روزگار و گستردی ارتباطات بویژه در ستر آگاه ساختن توده‌های وسیع مردم در عصر تاریک بردگی‌ها، این مبارزه بسیار دشوار بوده و مستلزم برخورداری از حداقلی جا افتادگی عقیدتی و بایستگی به اصول ایدئولوژیک بود.
چنین کاری انجام دهد؟ یکی از نتایج روشنگرانه کار این بود که نشان داد صلابه پیغمبر استگان دارد که منحرف باشند. اهمیت این سوشمگری تقدیر صفحه ۹

این خبطه بعد از جنگ حمل و کشته شدن "طلحه زبیر" ایراد شده است. جنگ حمل اولین جنگ طبقاتی داخلی بود که پدیده‌های صدور اطلاعیه مشهور امام علی که پدیده‌های خلیفه را ولو به کابین زنان رفته باشد، باز بس خواهد گرفت. وجود آمد.
خط مشی انقلابی و فاطمیت ترحمی علی در تقسیم ساوی بیت المال، همه استشارکاران و انگل‌های جامعه را سنج کرده بود. بویژه که دشمن خارجی، آنهم به قدرتمندی و کینه‌توزی و حیل‌گری معاویه، این قشر را با یکباره مطیع برای استقرار خود یافته بود.
جریان مختصر این جنگ را عیناً از کتاب "شعبه در اسلام" نقل میکنم (ص ۱۷):
"سب جنگ اول که جنگ حمل نامیده میشود، غالباً اختلاف طبقاتی بود که از زمان خلیفه دوم در اثر تقسیم ناساوی بیت‌المال پیدا شده بود. علی (ع) پس از آنکه به خلافت رسید، مال را در میان مردم ساوی

پیام مسعود رجوی به کلیه نیروها و شخصیت‌هایی که از نامزدی او برای ریاست جمهوری حمایت کرده‌اند

لاش یازستم، شرط ادب بیا آورده و از نزدیک از تک تک شما بگذردم
کنم و دیده و دیده شرح اشتیاق بدم. اشتیاقی مری و انده به نسبت
به کزادی کامل همین و کمرگرتنم و زودون جدائی جا.
حدیث قرآنی «وصل» وصل نمایی آنچه خدا به پیوند دادن آن
امر کرده است. پیوند میان مظلومان و مظلوم‌خواران:
چیر، از آفتاب زده و دروغه، دست‌پنجه بسته، چشم‌ها را بستند و در
حسرت زده. دست‌ها و عیای بر پر شده و فریادهای در گلو خفته...
لاش یازستم سینه فکرم از زور و حسیه و محبت و آقا خاتون بگویم!
لاش...
آقا خاتون پیش از هر چیز به سرزنش انقلاب می‌اندیشم که یکی از بزرگترین
مسئله‌های خلیفه واقعی خود را در پیش من و سایر مخالفان در براردم گذاشته
است. آخر چه جز در دشمنی از صحنه‌های گسترده مردمی، بطور مصفا
فران و سرایت می‌طلبد.
بسیار دیده‌ام که وقتی صلوات و شکر بر سران خواجهان در براردم تا نامزدی
به یاد من شکسته شده اند، مگر خدا را از اینها نمی‌داند و نیز بقیه پیشگیری می‌نماید.
در صحنه با برهه‌ها نگاه کنید که کدام خدا و کدام خلق؟!
آقا خاتون ما را ستود، فرمودی دی‌تیت دنیا، جلد و دهند.
اما امروز نشان دادی که برغم حرکتت در امر ادب و باطنی از بزرگترین
صفتت، در پیش حرکتت محدودیت و فشار در انداختن تو را در کارهای
پشتت، در پیش... بازم هیچ حقیقت را ندیده‌ای که بر تو
حقیقت نسل چون خفته انقلاب را، نسل خسته خرابه‌ها، مصفا
اصغر هیچ از لگنها و ناظمه‌های این جا... با که به دست بر سر زنده‌ها
خاکسری می‌کنند. ولی بازم شما با حمایت جانان این حقیقت آتش‌گرفته
را در زیر خاکستر گواهی دادی.
منی که در توجیه و نه تقیید سازشکارانه و زنده‌ها و آرایش و نه می‌گردد
عاقبت چون با کمر ادرا از میان ببرد مگر در جبهه زمین یا از دور
تحت شش‌ت گشتند.
برگان گواهی شایسته‌ی حقیقت و احسان این نسل، می‌رسم به حقیقت
افزونی دارم که می‌باید صورت گرفته و گواهی، نه امی فقط بر طرف
گذاشته تیره و تار، بل بنابر ساختن آینه با نیک است که برین از جوهر
ببندد های نیاید، جوان، با کلام، اصل و زمان یافته نیازمند است.
پس بازم بگذرایم تا بگویم که من کلام که اعدا داشته‌اند فقط شرط یک
فریاد کرده، بلکه اساساً شکر بر نه است که بگذرایم علی و راستین،
پروزی و مردوت و انصاف را از زیر می‌دهد.
انصاف نسبت به همه بزرگان و مشرکان، در شکر و در شاک و جز به
کرد یا نادرین. در یک خطه همین حمایت که البته خنده در می‌آید آن بودم است
که گانه چای من، به یک خطه از پیش روشن بود، مگر می‌توانی بگریزی کرد.
آری، برای نخستین بار در تاریخ سازمان‌های انقلابی که دوران طاعت را با
بندد سلسله شهری سرگردانند، و چنان استقبال مردمی سواج می‌شود که
بیش از پیش بستن آنگاه خلق قبران دارند و به مراحل فرین نکال

افزوست. درست در همین نقطه است که دست‌های عاصمانه بنا بگویم که
اگر این سازمان، آفتابش با زنده‌ها داشته باشد، من خشم!
گرچه بی‌انتم هیچکس از شما نبرد و بگردد، برود باخت و آوار و دم شدن بی‌اند
من گریه؟ اما مستخدم از «بازنده» منون، آنگاه بر جوش خلقی چشم بگرد
از جانب شما همی بسیار در زمین از زمین است که با زنده‌ها در حق اعتراضات
عام عقیده به حمله‌اند.
آبته اعتراض و در هر خرد جان از یک ایران است و در میان ما مسلمانان
انقلاب با معجزان رحمتش همه دست‌های، همه دست‌های و دست‌های...
بد نسل ما با اعتراض آنگاه زنده و با ایران پر شده و نگاه نشاند...
پس اگر استادی می‌کنیم و با اعتراض، بطور تحقیق همین آینه‌ها، در عاقبت
کسب است که از آنگاه، به دلیل بافرسندی معادش از حرکت نمی‌تواند بجای
نذهب اعتراض نام گرفته است. یعنی اسلام راستین.
به با اعتراض می‌کنیم که: چرا هم‌قدم راه بیانی ما نرود و نرود و در حرکت
هفته‌ها در رابطه و در راه‌ها بر با سستی است و انده‌ها شده است؟
چرا با پیام تا پیش اینم که در راه حقوق خدمت حقیقت‌گرا شده، ماده؟
چرا استادی‌های دانش که همه ما بر پیش‌پا می‌آید از جانب پدید آمده شده
تکلیف می‌شود؟
بر اساس آن از ادب محدود و بی‌بسیاری می‌تواند در حرکت و در استیشن،
حق تا کمال حقیقت شیری و رها و آنگاه؟
چرا ما به خنده می‌نویسیم حلقه مدینه و دم داشته باشیم؟
چرا می‌رویم تا بگویم به پیش ما در صحنه در زمان بر حقوق جمهوری که
نمی‌شود؟
چرا؟! ...
بگذرایم که مسئله این مسولات حل‌ناپذیر است. فقط این را بگویم که اگر زنده‌ها
و خواجهان و برادران شما برغم همه آسیب‌های کرکشان سازمان و دیگران بازم
از زور و انقلاب کبر است که، در با میدان گذاشته و غیره که فقط همین
آینه‌ها شده است. و آنگاه که حقیقت بگذرایم که در کارهای سر زنده‌ها
همین آن سالها ما پیش داشته‌اند، و به آنگاه که خنده از زنده‌ها می‌آید است
نیامده بودند؟ خوش ترسیده‌اند که نمی‌توانند با کسب را بگریزند.
آب خزان است که این نسل فرزند و خون و آتش، از پیش حرکت شایسته با
شماره و از حد زود بود؟
آب خزان است که بدون چنین با لایتن و در گواهی نمی‌توانست با آنگاه که
بگفته؟!
به، با فری ریاست جمهوری من تیر خراج لذت این دلال می‌بندد. البته
طه حقیقتات و احسانت مکن از اعلام با فری انجام دادیم.
شرح مفصل این را احسانت که طی آن همه گفتنی‌های می‌توانم، فرسوس دیگر
می‌دهد. اما حقیقت بگویم که این از بزرگترین از تم که البته در حق به حاکم
خود نام نشدیم! دیگر به این نتیجه رسیدیم که هیچ شخص بی‌ایمان و جودند
تأیید حقیقت کرد؟ سیر سببی حواش دیگر سببی به ارادته نامزدی باقی
نگذاشت...
آب من در روزنامه دم قانون اساسی شرکت کرده بودم. اینم جز پر شده

بندد. آنگاه که در بعضی افروزی، بگردد به این حربه بیشتر و از انقلاب در سلاطین
خداست. همین دلیل بازم ما در امر عملی که بود و تصویب شده بود
خود را به پیوسته، عاصق و دوگانه می‌انداختم. گمان یکم که اگر از مشکلات
و کسب و ما در حربه دیگری که کسب و در الواقع حقیقت دارد و در عمل
آشکارا شده، هیچ دست‌گرفته، عاصق و سبب تکلیف با تصویب آنگاه خواهد شد.
پس چرا جریان بگفته شش نشاند که نه تنها هیچ چیز به ارادته می‌تواند
بگردد به خلاف بسیاری که طی این مدت سرشان خاموش شده، هیچ آنگاه و از
سازشکاران و... ندانند؟ عاقبت که با بر صحنه انقلاب مصفا جانان ما زنده‌ها
سر می‌اندازد و گواهی‌ها می‌کند...
بگذرایم بگویم که در طول دوران، با از جانب برخی حاکمیت اندیشان نصیحت می‌توانم
که چرا یک کلام می‌گویم که به قانون رای مثبت دادیم؟
ولی گفتی نبود که دو گامی و در دفع در فرهنگ که انقلاب را از میان بردارند
زیرا به عاصق ما، درست از نظر که با در دفع و در با بر میان کشیده می‌شود
فصل هر خدمتی که در صحنه در میان باشد، به فقه خود عقیده خواهد داد.
مگر نه از ادب، ما بر این بودیم که گفتا شرکت کنندگان در روزنامه دم چنین
نشینند که آنگاه که اگر شرکت کرده‌اند طر محوره، و در میان و زور تا زنده‌ها
گذاشته در یک خطه...
چرا که از گذشته‌های گذشته، اکثریت از حرکت‌های آواران بر این استقبال می‌کنند
و از سوی دیگر هیچ اکثریتی در هیچکس از همه حقیقت‌گرا، با حق را از خود
تصویب کرده، از آفتاب که پیش از آن حقوق با مردم طلب می‌کند، با در یک
نمی‌سازد، مصفا که سازمان ما در صحنه خرم، و اقتدار جمهوری است و در آن
رای مثبت بر آن عاصقانه که می‌تواند جان قانون اعلام بگردد که بودیم.
اقتداری نه تنها لغت و به بر مجازی، بلکه اقتداری خونین با آنگاه
بسیار در دشمنان ما را تیره و تار.
آب خزان است که بر اندام من در روزگار می‌اندازد و انده حرکتت نه از
اسلام و احسانت بود، خود ما به در سید را گواهی شده حقیقت، و به در برابر
چون حقایق اعلام، با حقیقت، و صحنه سر زنده‌ها و در صحنه انقلاب
را در زمین گواهی و تکلیف با این نخستین بار به میدان و از نگاه در دشمنان
انقلابی بود بودیم؟
اگر نه است خود ما نیز پیش نباشد، از شکست‌گران ساداک جان رسید.
آنگاه خنده خورشید و شتابت من، با حاکمیت را در زنده‌ها و شکسته گواهی و حاکمیت
تیر در صحنه در اند!
آب ما به همه در صحنه و در گرویم؟
و گواهی همه زنده‌ها و با بر سر زنده‌ها، به حقیقت، با در صحنه گواهی می‌توانیم
آنگاه، تا مسلم که همه این با فری افروزی ما را به به بشیر کرده...
حرفه زنده و دشنام، آنگاه که خنده‌ها و بر سر شده، بلکه در اعلام و در
حبه و اینم ترا!
و از خنده دم نیامدیم که بگذرایم که مادری در فرین که از خزان می‌تواند
ما را دارد، و با بر صحنه بر نه آنگاه که من استبداد مصفا اشتیاق آینه
همی بیاورد؟ این چنین به گواهی در اختیار رسیده بر این قرار می‌گیرد. آنگاه در
بنیادهای فقهی اسلام

سیر جنبش اتحادیه‌ای در اروپا

در شماردهای قبلی با اشاره به ضرورت تشکیل شوراهای بررسی عملکرد آن، به موانع و مشکلات و مسائلی که سر راه آنها قرار دارد پرداختیم و گفتیم که شورا در این مرحله از مبارزات ضدسرمایه‌پرستی به تنهایی نیروی توانمند در مسائل صنفی - سیاسی پیچیده و مهم موضع‌گیریهای پیروزنده سد داشته باشد. آنچه اتحادیه شوراهای در این صورت یک ضرورت در مقطع کنونی از مبارزات کارگران مان مطرح ساختیم. حال برای درک بهتر مفهوم اتحادیه‌های صنفی به سیر جنبش اتحادیه‌ای می‌انگیزیم.

گروه‌های جنبش کارگری

با مطالعه و بررسی جنبش اتحادیه‌های ایران و جهان و ایران می‌توانیم اتحادیه‌های کارگری را بهتر بشناسیم. نهضت اتحادیه‌ای در متن مبارزه رزمندگان بزرگ کارگران رشد یافته است. در طول این مبارزات، کارگران و رزمندگان برای برآوردن کوچکترین خواست صنفی خود یا گله‌های آتشین خودپرسی سازمان سرمایه‌دار روبرو شده‌اند. کارگران در هر نبرد یا بی‌بردی به ضعف صنفی مبارزاتی خود یعنی بی‌توانی در عدم سازماندهی در صدد رفع آن برآمده و دست به ایجاد تشکیلات ضدحکامی و اتحادیه‌ای زدند. ولی مدتها به دلیل ضعف رهبری، عدم پیچیدگی لازم و نبودن یک سازمان انقلابی پیشتاز آنها موفقیت‌های قطعی و گویا مدت بدست آورده و بزودی سرکوب یا برانگیز شده‌اند.

مرحله نوین در جنبش کارگری

در نیمه اول قرن نوزدهم - جنبش کارگری که عبارت بودند از جنبش ابریشم بافان در "لئون" در فرانسه، "چارتیسم" در انگلستان و قیام کارگران در "سیلوی" آلمان نشان داد که حرکت‌های کارگری ارتقا یافته است. کارگران شهر لیون توسط کار - فرمایان و تجار و دلال‌ها به نحو وحشتناکی استثمار می‌شدند. ساعات کار کارگران بین ۱۵ تا ۱۸ ساعت در روز بود. ولی در مقابل کار طولانی طاقت فرسا دستمزد ناچیز دریافت می‌کردند. کارگران در سال ۱۸۳۱ پس از مبارزه بی‌بهره موفق به یکسب برخی از خواست‌های صنفی خود شدند. کارگری - میان افزایش دستمزد و پذیرفتن، ولی، از اجرای بقیده خواست‌های کارگران سر باز زدند. کارگران از راه مذاکره و برخورد مسالمت آمیز تلاش خود را ادامه دادند. اما چون شیوه مسالمت جویانه را کارساز ندانستند، به تدریج صلح شدند. شمار کارگران عبارت بود: زیستن و کار کردن یا مردن در میدان مبارزه. در نبرد بین کارگران و نیروهای پلیس و ارتش، قیام کارگران پیروز شد، ولی سرنظر از زمینه‌های عینی و تاریخی به علت عدم آگاهی و پیچیدگی لازم، کارگران فریب سرمایه‌داران کوچک و فرصت طلبان را خوردند. بدین ترتیب جنبش کارگران که میرفت تا قدرت را در دست گیرد، به انحراف کشیده شد.

با اینحال کارگران تن به سازش و عقب نشینی ندادند و در سال ۱۸۳۴ مجدداً در رابطه با دستگیری چند نفر از کارگران مبارزه دست به قیام مسلحانه زدند. بدین ترتیب نه تنها خواست‌های صنفی کارگران تبدیل به خواست‌های سیاسی شده، بلکه شکل حرکت هم به صورت انقلابی خود یعنی مبارزه مسلحانه ارتقا یافت. آنها خواستار آزادی تشکیل اجتماعات، اتحادیه‌های کارگری و استقرار جمهوری عمومی شدند.

در سال ۱۷۸۹، انقلاب کبیر فرانسه موجب تحولی بزرگ در نظام اجتماعی شد. نظام فئودالی کنار رفته و سیستم بورژوازی حاکمیت پیدا کرد. نظام سرمایه‌داری با استثمار بیشتر کارگران همچون سدی در برابر حرکت‌های نوین کارگری قرار گرفت. درگیری مستقیم کارگران با سرمایه‌داران باعث بالا رفتن آگاهی طبقاتی بیشتر کارگران گردید.

با اختراع ماشین بخار و وقوع انقلاب صنعتی کام مهمی در جهت رشد صنعت و سرعت تولید و رشد به لحاظ کارگر چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ فنی و صنعتی برداشته شد. انقلاب صنعتی و تجمع کارگران در واحدهای بزرگتر همراه با پیچیدگی نظام سرمایه‌داری، لزوم وحدت و تشکیل کارگران را بیشتر نمود. در اواخر قرن هیجدهم اتحادیه‌هایی با انضمام بیشتر در کشورهای اروپایی شکل گرفتند. ادامه مبارزات کارگری به‌منشیه مجازات‌های سیستم‌حاکم علیه کارگران منجر شد. در سال ۱۸۱۷ سرمایه‌داران اشراف انگلیسی طی قانونی اعلام کردند که، هر دسته که کمیت یا سازماندهی را انتخاب و زمین نماید که با نمایندگی دسته دیگر مذاکره و تبادل نظر نماید به عنوان اتحادیه‌فراوانی تلقی شده و به موجب قانون ۱۷۹۹ تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

در اوایل قرن نوزدهم گسترش جنبش و ماشین کارگری تحت فشار و رنج بیشتر قرار گرفتند. آنها در مبارزه خود بخودی و عکس‌العملی به خراب کردن و تشنگن ماشین آلات اقدام کردند. این مرحله از مبارزات

دلیل نبودن سازمان انقلابی، رهبری سیاسی به دست خرده بورژوازی مرفه افتاد و پس از استقرار سلطه سرمایه‌داران، کارگران سرکوب شدند. در حالی که توده‌های کارگران تحت رهبری چارتیسمها در مبارزه با حکومت انگلیس درگیر بودند در منطقه "سله زی" آلمان که دارای کارخانجات نساجی فراوان بود، کارگران در برابر فشار مشترک فئودال‌ها و سرمایه‌داران دست به مبارزه زدند. زیرا از یکطرف دولت‌ها از کارگران مالیات می‌گرفتند و از طرف دیگر کارفرمایان برای رقابت محصولانشان با کالای مشابه خارجی، دستمزد کارگران را پائین می‌آوردند. سرانجام کار بجایی رسید که کارگران در نوردی برای شان دادن کینه خود نسبت به کارفرما، منزل او را خراب کرده آتش زدند. این آتشسوزی مهانه هجوم ارتش آلمان به "سلوی" در فرانسه نمود و چند روز بعد با هجوم ارتش آلمان قیام کارگران ظاهراً خاموش گردید.

پس از انقلاب ۱۸۴۸ حکومت ضد کارگری فرانسه هم با تصویب قانونی فقط تعاونی‌ها را با شرایطی که آنها را بی‌محتوی می‌ساخت چنینه قانونی داد. در سالهای بعد کارگران آگاه و مبارز این ساله را فراموشند که برای مقابله با توطئه‌های حکومت باید از روشنفکران انقلابی در مبارزه خود کمک بگیرند. بدین ترتیب روشنفکران انقلابی و کارگران در نوردی مشترک شمار واحد "آزادی تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌ها" را مطرح کردند.

پایتلو سوم در مقابل صف متحد نیروهای خلق چاربی جز عقب نشینی نداشت و در سال ۱۸۴۴ بطور مشروط و محدود آزادی تشکیل اتحادیه‌ها را پذیرفت. البته تأسیس اتحادیه‌ها صرفاً به منظور بالا بردن دستمزد و اعتصاب بود، ولی نه‌تجدید کارفرما همچنان ممنوع بود!

اولین تلاش سازمان یافته و تجرانی برای در دست گرفتن قدرت سیاسی

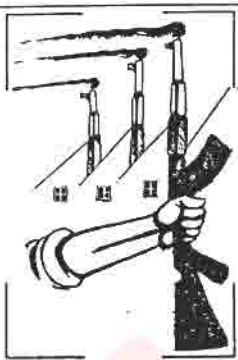
در مارس ۱۸۴۱ کارگران پاریس تحت رهبری کمیته گارد ملی به نبرد علیه ارتش ارجاعی و نیروهای پروس برخاستند. قیام مسلحانه کارگری پاریس با شکست ارجاع حاکم بر فرانسه و فرار ارتش پروس به پیروزی خلق منجر شد. حرکت انقلابی کارگران پاریس اولین حرکت سازمان یافته کارگران بود. سرکوبی سیستم سرمایه‌داری بود.

پس از اقدامات کون (حکومت کارگری) پاریس عبارت بود از: -۱- انحلال ارتش ضد مردمی. -۲- تحصیل رایگان. -۳- ممنوع ساختن کار شبانه شاکرد ناوهار. -۴- سیردن اداره کارخانجات به شوراهای کارگری. رژیم‌های ضد مردمی از حکومت

رژیم‌های سرمایه‌دار در مقاطع سرنوشت ساز حرکت انقلابی کارگران، مجلس‌ها را منحل کرده و به مراکز انقلابی هجوم می‌آوردند.

خلق به هراس افتادند. دولت فرانسه و پروس که هنوز در حال جنگ بودند علیه انقلاب پاریس به سازش رسیدند. این نیروهای ضد خلقی مشترکاً به پاریس هجوم آوردند. پس از یک هفته مقاومت بی‌فرسایانه کارگران و کشتار و تیرباران بیش از صد هزار نفر از مردم، شهر به دست دشمن افتاد. تجربه خونبار پاریس نشان داد که صرف نظر از ضرورت وجود شرایط عینی به مثابه مبنای پیروزی هر انقلاب، بدون یک جنبش تشکیلاتی منسجم سیاسی، انقلابی به مثابه شرایط ذهنی نمیتوان بر دشمن خلق و کارگران مالا پیروز شد.

۴۳,۰۰۰ اعتصاب در یک ماه



همزمان با مبارزات کارگری در کشورهای مختلف، کارگران روسیه نیز تحت فشار سرمایه‌داران و حکومت تزار قرار داشتند. پس از نوردی، طولانی برای اولین بار موفق به تشکیل اتحادیه برای اسیلی شدند. بالاتر از دیگر اتحادیه‌های آن زمان.

در سال ۱۸۲۵، اتحادیه جنوب روسیه، توسط کارگران جنوب و در سال ۱۸۷۸ "اتحادیه شمالی روسیه" برای احقاق حقوق صنفی و سیاسی کارگران تشکیل شد. اتحادیه‌های دیگری رهبری بسیاری از اعتصابات را برعهده داشتند. در سال ۱۸۸۵ اعتصاب کارگران بارووف به رهبری اتحادیه شمالی، هدایت شد. خواست‌های کارگران، تثبیت دستمزدها و ولنو جریمه بود.

انحلال مجلس و هجوم به مراکز سازمان‌های انقلابی و کارگران

در ژانویه ۱۹۰۵ پس از اخراج ۴ نفر از کارگران کارخانه پیتلوف در شهر پترزبورگ، کارگران اعتصاب کردند و از برکت وجود اتحادیه‌های منسجم و سرسری در فاصله کوتاهی کارگران کارخانه‌های مختلف با آنها اعلام همبستگی نمودند.

جنبش اعتصابی نیرومند و پرتوان کارگران، هر روز گسترده‌تر میشد. در طی دسامبر (از ۱۸۹۵ تا ژانویه ۱۹۰۵) ۲۳۰,۰۰۰ بار اعتصاب در همه واحدهای تولیدی و صنعتی وقوع می‌یافت و حال آنکه در ژانویه ۱۹۰۵ فقط ظرف یکماه اول انقلاب (ژانویه) ۲۴۰,۰۰۰ اعتصاب انجام گرفت. جمع کل اعتصابات ۱۹۰۵ ۸۰۰,۰۰۰ یعنی دوبرابر تعداد کارگران روسیه بود. اعتصابات در سه ماهه اول اکثر اقتصادهای روسیه در حالی که در سه ماهه آخر سال ۱۹۰۵ اعتصابات اغلب سیاسی بود.

تزار به کمک تشکیلاتی پوئالی به نام "اتحادیه کارگران کارخانجات روسیه" سعی در نفوذ و تلاشی اعتصاب نمود. سرانجام یک تشریح مزدور، کارگران را به پناهه کشش خواستگاریشان به مقابل کاخ تزار کشاند و حداقل سیصد نفر از آنها را به گلوله بسته نزدیک به هزار نفر از کارگران را کشته و ۳۰۰۰ نفر زخمی کردند. بدینا این کشتار موج اعتصابات کارگری سراسر روسیه، لهستان و لیتوانی را فراگرفت. انقلاب ۱۹۰۵ تحولی کیفی در مبارزات کارگری ایجاد کرد، و اعتقاد کارگران به مبارزه مسلحانه و ایجاد تشکیلات منسجم و انقلابی برای تحقق خواست‌های صنفی و سیاسی‌شان، واضح‌تر شد.

حکومت تزار که در سرکوبی مبارزات توده‌ای به بن بست رسیده، بطور تاکتیکی عقب‌نشینی کرده و در اکتبر ۱۹۰۵ وعده آزادی تشکیل اتحادیه‌ها، رفع اخفانق، ایجاد مجلس قانونگذاری و آزادی مطبوعات و اجتماعات را اعلام کرد. تحت تأثیر جو سیاسی باز، تعداد اتحادیه‌ها

اتحادیه‌های رفورمیستی

در طول مبارزات اتحادیه‌های اتحادیه‌های شکل جدیدی یافت. در رأس همه شووهای کارگری، کمیته مرکزی اتحادیه صنعت مربوطه قرار گرفت. اتحادیه‌ها پس از پیروزی انقلاب ۱۹۱۷ به مثابه نیروی متشکل کارگری در ساخت ارتش کمپنیها تشکیلاتی توانایی پناهه کرده و ساخت اقتصاد ملی و اعمال مدیریت شورایی فعالیت گسترده‌تری از خود نشان دادند.

کارگران، بی‌وسه و جریان انقلابی و رفورمیستی وجود داشته است. جریان انقلابی خروشان تغییر اساسی در مناسبات به‌مبارزه و به عبارت دیگر معتقد به مبارزه طبقاتی بر علیه نظام سرمایه‌داری در جهت استثمار بود. ولی در برابر این جریان، همیشه ایدئولوژیکان طرفدار همزیستی طبقاتی و حفظ مالکیت خصوصی بر ابزار تولید بودند.

در دهه سوم قرن ۱۹ روشنفکران اصلاح طلب نظریه ارتش‌گذاری را ساختار کار بر مبنای مبادله آن با کالا در تعاونی‌های تولید را مطرح کردند. (ابروژنیست) نظریه مزدور به "نظام بورس کار" معروف شد. در صدد افزایش اساس نظام "بورس کار" مبتنی بر حفظ نظام سرمایه‌داری بود.

اتحادیه‌های متأثر از این طرز فکر تشکیل گردید. این اتحادیه‌ها به صرفاً با حمایت نهائی از سرمایه‌داران میخواستند کارگران را به سازش با کارفرما وادارند.

نیمه دوم قرن ۱۹ "اتحادیه بورس کار" در فرانسه تشکیل شد. اتحادیه بورس کار با کارگران رابطه نزدیک داشت. تشکیلات آن از کیفیت نسبتاً خوبی برخوردار بود. لذا توانست در مدت کوتاهی صندوق اعتصاب، بنگاری، سرویس کارمایی، ایجاد کند ولی ماهیتا رفورمیست و معتقد به عدم مداخله اتحادیه‌ها در امور سیاسی بود.

خط مشی فرصت طلبانه اتحادیه مزبور مبارزه برای بهبود شرایط زندگی و کار بود، شعار آنها "یک مزد منصفانه خوبی روزگار منصفانه" بود. بعد از مدتی به واسطه انحراف رهبری اتحادیه، عناصر مترقی آن را شعار انقلابی "کفای برای مزد بگری" جدا کردند. بعدها اتحادیه بورس کار به اتحادیه عمومی کار تغییر نام داد. در سال ۱۹۱۸ اتحادیه ملی کار در فرانسه تشکیل شد. کنگره اتحادیه ملی کار، هدفهای تشکیلات را چنین تعیین کرد:

- ۱- برقراری وحدت ملی بین طبقه کارگر
- ۲- مبارزه برای پایداری کار مزدوری
- ۳- سیاست همکاری کار و سرمایه

همین که اتحادیه ارتجاعی بورژوازی از اصول خط مشی اش برهم زدن اعتصابات و مبارزه با سازمانهای مترقی کارگری است.

اتحادیه عمومی سندیکاهای اصلاح طلب که معتقد به همکاری طبقات متخاصم (استنارگر و استثمار کننده) او سازش طبقاتی بود، تشکیل شد. این اتحادیه بر پایداری مناسبات سرمایه‌داری تأکید داشت و در متن اسامیه آن: "مبارزه طبقاتی را اشتباه اساسی دانسته" که باید از بین برده شود.

وجود این جریان رفورمیستی، زمینه مناسبی برای جریانهای ارتجاعی بود، عناصر ارتجاعی و طرفدار نظام سرمایه‌داری در این مرتجعین که از سرکوبی و مظلومانه با کارگران ناامید شده بودند، برای انحراف در جنبشهای کارگری، دست به ایجاد تشکیلاتی پوئالی زدند. تشکیلاتی از همان رژیم که در سال ۱۹۰۲ در صنایع مکانیکی روسیه توسط کارفرمایان و تزار برای مقابله با جنبش رو به اوج کارگران تشکیل شد.

اتحادیه‌های انقلابی

در سال ۱۹۱۹ کنگره راسیون فرانسوی کارگران مسیحی بوسلیه کارفرمایان ایجاد شد. اتحادیه اتحادیه کارگران مسیحی طرفدار همکاری طبقات و اصول عدالت! بود. در اسامیه کنگره راسیون مزبور چنین نوشته بود: "صلح اجتماعی لازم برای سعادت مین است و تشکیلات صنفی پایه لازم این صلح می‌باشد."

اتحادیه‌های رفورمیستی

در ۱۸۲۶ شکل مخفی با شرکت عده‌ای از کارگران آلمانی مقیم پاریس تحت عنوان اتحادیه درونکاران بوجود آمد. در آغاز اتحادیه درست کاران فاقد یک جهتگیری انقلابی و سازماندهی قابل توجه بود. اما با نفوذ و کمک عناصر انقلابی پیشتاز برنامهای ساخته‌شده‌ای را به‌مورد اجرا گذاشت. کنکره اتحادیه صنایع ۱۸۲۷ هدفهای آنرا چنین تعیین کرد:

- ۱- سرنگونی نظام سرمایه‌داری با استقرار حاکمیت کارگران.
- ۲- ایجاد جامعه نوین فاقد مالکیت خصوصی.

بعدها اعضا این اتحادیه نقش مؤثری در تشکیل بین‌الملل اول و دوم پاریس ایفا کردند. در ۱۸۸۶ اتحادیه صنایع و پیشه‌ها با مواضع مترقیانه اعلام موجودیت کرد. (فرانسه)

۱۸۸۹ معدنچیان آلمان با جهتگیری اتحادیه‌های مترقی موفق به گردن بستن از خواست‌های صنفی خود شدند. در حالیکه جریانهای انحرافی (ابروژنیست) نظریه مزدور به "نظام بورس کار" معروف شد. در صدد افزایش اساس نظام "بورس کار" مبتنی بر حفظ نظام سرمایه‌داری بود.

گزارشی از کلیه احزاب، سازمانها، گروهها، انجمنها، شوراهای شخصیها و... که از برنامه انقلابی کاندیدای مجاهدین خلق ایران مسعود رجوی حمایت کرده‌اند

با آغاز خروش ضدامپریالیستی خلقمان فاز جدیدی از مبارزه در میهن مان شکوفا شد. ما طبیعتاً بعنوان نیروی که عهده‌دار همان ابتدای قیام بر لزوم مبارزه ضدامپریالیستی تأکید کرده و با آغوش باز به استقبال این موج رفتم؛ مهم‌ترین چیزی که عهده‌ار برابریان مطرح بود، این بود است که چگونه جریان مبارزه اصیل خلقمان را که با عملکردهای شاندرگانه و برجسته‌ای رفت تا این‌جا بیست و سه روز شود به کمال اصیل و درست خود بیاندازیم.

اما با مطرح شدن مسئله ریاست جمهوری، نظریان آمد که با توجه به نشانی که بمبده رئیس جمهور خواهد بود، امام بهترین فردی است که می تواند بعنوان محور تمامی افکار و طبقات خلق را حول خود گردآورد. بهمین دلیل ایشان را کاندید کردیم. مسئله مهم در این میان این بود که بتوانیم جبهه هرچه گسترده‌تری برای استعمار مبارزه عادلانه‌مان بوجود آوریم. بخصوص که هنگی اکامیه که چونکه پیگر واحد و یکپارچه خلق بر اثر نفوذ عناصر وابسته و عملکردهای لیبرالیست و مترجمین تکفک شده بود، افکار وسیعی از روشنفکران مبارز و صادق و ملیشهای گوناگون که سهم انگارناپذیری در به ثمررسانیدن پیروزی داشته‌اند، عملاً خود را از جریان آثار چشم دیدند و بجای آنها که نیروهای قابل تکیه و یوایی انقلاب بودند، سرزده گارها بدست عناصری افتاد که با در زواری مناسبات بورژوازی بودند و با در فقرهای ارتجاع سیر می‌کردند و انحصارطلبی و نزدیکبستی اجازه نمی داد جلوتر از نوک بینی‌شان را ببینند در این میان اکثریت عظیمی از خلق از وعده‌های فریبنده، جان به لب شده و بیش از همه در سرگردانی و رنج بسر می‌بردند. اینان بخوبی می‌دیدند که چگونه خون بیش از ۶۰ هزار شهید به بازی گرفته شده، و انقلاب در سبیری راه می‌پیماید که با ماهیت خود تضاد دارد. این خیل عظیم، سرگردان شده از بسکو نابولی و حسرتگان انحصارطلبی و ارتجاع را می‌دید، از سوی دیگر با تهاجم قدم به قدم و مودبانه لیبرالها روبرو می‌شد و در این میان آتش‌پایان مرکز که همان وابستگان سابق و عناصر مزدور بودند، متشوقانه به رفق و پایکوبی مشغول بودند. و این، آن چیزی نبود که بخاطرش فدakarها کردند، به خیابانها ریختند، فریاد زدند، انگلیز گفتند، و در مقابل تانکها و مزدوران تا بن دندان مسلح شده مردانه جان باختند. میدان زاله، میدان شهدا نشد که امیرانقلابها هر کرسی وزارت و... تکیه زنند و خون شهدا را بمبده دهند. دانشگاه به آتش خوردن کشته شد. ۱۳ آبان و ۹ دی و دهها روز خونین بخون نشست تا روغنی‌ها بر سر کار بمانند. و آنها بانگ برنداشتند تا یک از پیروزی در کلاستان را با مشت و جناق تکفیر پاسخ دهند. آنان با خلق اختناق آرزومندی جان به لب شده‌بودند و با آزوری آزادی در انتظار تحقق پیام شهدا که همان انقلاب پیام بودند. بی‌جهت نیست که در فرامردم جمهوری اسلامی ۲۲ میلیون نفر در رایگیری شرکت می‌کنند. برای آنکه شور و التهاب مبارزه دوره ضد دیکتاتورای باقی است. برای اینکه آزادهای خود را در کادر جمهوری اسلامی جستجو می‌کنند. اما هنوز چند ماه نمی‌گذرد که فرامردم قانون اساسی ۱۵/۸ میلیون شرکت کننده خود واقفیت تلخی را گویند می‌کنند. در عرض فقط چند ماهه قریب به ۲ میلیون نفر از بهترین مسئله سیاسی، مستقیماً باسرنوشتشان سروکار دارد، خود را کنار می‌کنند. آیا این واقفیت تلخ جز از عملکردهای غلط سیستم ناشی شده است؟

لیکن هیبتا که کوردهای ارتجاع که با یوختگاهی زایدالقدرت امپریالیستها نیز همراه است، اجازه تجزیه اندوزی نمی‌دهد. بهرحال در چنین شرایطی ما

بزرگداشتن انقلابی خود را بنظور تشخیص دادیم که فعالانه بمیدان بیانییم همانطور که نوشته‌ایم و گفته‌ایم بخوبی می‌دانستیم که ورود ما به صحنه کلیه مداخلات سیاسی راهبم خواهد بود. اما ما مسئولیت خود را در قبال خدا و خلق احساس می‌کردیم. نه مداخلات حسابگرانه و سیاست بازیانه، نه بهمان دلیل صادقانه میداند آدمیم. بمیدان آدمیم تا شاید بتوانیم هرچه بیشتر نیروها را فایز کنیم. و دیدید که چه شد. شور و شوقی که در سرتاسر کشور بوجود آمد براسی حیرت انگیز بود. باحوال و امکانات و علیرغم تحمل فشارها مستثاقانه به میدان می‌آمدند. هر قدر سبیل تلنگرهای حمایت و پشتیبانی برای انقلابیون جالب بود برای امپریالیستها و مترجمین دیوانه‌کننده و وحشت آفرین بود.

همانطور که پیشبینی کرده بودیم مداخلات سیاسی بهم‌خورده بود. می‌رفت که جبهه ضدامپریالیستی قوام و شکل خود را بیابد. ملتینا، اقلیتهای مذهبی، گروههای مبارز و پیشتاز، کانونهای روشنفکری، انجمن های مختلف مردمی، همه و همه با استقبال خود از شرکت ما نشان دادند که سیستم در این مدت به نیاز داشته‌اند. عملاً خود را از پاشان مثبت نداده است. البته ما از همان آغاز چشم برنده‌شدن یعنی انتخاب شدن نداشتیم. ما در رهله اول می‌خواستیم نیروهای زیادی را که متفرق و متشتت شده‌اند حول محور مبارزه با امپریالیسم گردآوریم. و براسی چه کسانی از این مسئله وحشت کردند؟ آنچه ما در این میان اکثریت عظیمی از خلق از وعده‌های فریبنده، جان به لب شده و بیش از همه در سرگردانی و رنج بسر می‌بردند. اینان بخوبی می‌دیدند که چگونه خون بیش از ۶۰ هزار شهید به بازی گرفته شده، و انقلاب در سبیری راه می‌پیماید که با ماهیت خود تضاد دارد. این خیل عظیم، سرگردان شده از بسکو نابولی و حسرتگان انحصارطلبی و ارتجاع را می‌دید، از سوی دیگر با تهاجم قدم به قدم و مودبانه لیبرالها روبرو می‌شد و در این میان آتش‌پایان مرکز که همان وابستگان سابق و عناصر مزدور بودند، متشوقانه به رفق و پایکوبی مشغول بودند. و این، آن چیزی نبود که بخاطرش فدakarها کردند، به خیابانها ریختند، فریاد زدند، انگلیز گفتند، و در مقابل تانکها و مزدوران تا بن دندان مسلح شده مردانه جان باختند. میدان زاله، میدان شهدا نشد که امیرانقلابها هر کرسی وزارت و... تکیه زنند و خون شهدا را بمبده دهند. دانشگاه به آتش خوردن کشته شد. ۱۳ آبان و ۹ دی و دهها روز خونین بخون نشست تا روغنی‌ها بر سر کار بمانند. و آنها بانگ برنداشتند تا یک از پیروزی در کلاستان را با مشت و جناق تکفیر پاسخ دهند. آنان با خلق اختناق آرزومندی جان به لب شده‌بودند و با آزوری آزادی در انتظار تحقق پیام شهدا که همان انقلاب پیام بودند. بی‌جهت نیست که در فرامردم جمهوری اسلامی ۲۲ میلیون نفر در رایگیری شرکت می‌کنند. برای آنکه شور و التهاب مبارزه دوره ضد دیکتاتورای باقی است. برای اینکه آزادهای خود را در کادر جمهوری اسلامی جستجو می‌کنند. اما هنوز چند ماه نمی‌گذرد که فرامردم قانون اساسی ۱۵/۸ میلیون شرکت کننده خود واقفیت تلخی را گویند می‌کنند. در عرض فقط چند ماهه قریب به ۲ میلیون نفر از بهترین مسئله سیاسی، مستقیماً باسرنوشتشان سروکار دارد، خود را کنار می‌کنند. آیا این واقفیت تلخ جز از عملکردهای غلط سیستم ناشی شده است؟



کشاوری و منابع طبیعی، گروهی از کارکنان سلمان شرکت حفاری و سرویس دهنده، گروهی از تجارن سلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران - گروهی از کارکنان اداره مهندسی و ماسختان صنعت نفت اهواز گروهی از کارکنان سلمان شرکت ساختمانی سینوس اهواز - کارکنان سلمان شرکت گسترش سکن اهواز - گروهی از کارکنان بهره‌برداري اهواز- فرهنگیان شهید سلمان ماندوب- گروهی از کارکنان سلمان لادکستر، شکی بابل - گروهی از بازاریان سلمان بابل، هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران - جمعی از مهندسين سلمان آمل - گروهی از کارکنان اداره دارایی بابل هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران - جمعی از فرهنگیان سلمان گلرنگ (فرزندان کارمندان سلمان ایران) - جمعی از کارکنان سازمان بنوع و دامهای روستی ایران مرکز گرگان - گروهی از کارکنان سلمان شرکت صنایع نفت جنوب (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) - جمعی از کارکنان صنعت نفت جنوب (مزارین) کویال - جمعی از کارکنان شرکتهای حفاری و سرویس‌دهنده - گروهی از کارکنان سلمان صنعت نفت هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران - جمعی از کارکنان کمرک - کارکنان سلمان دستان روستایی درتوم، جنود - جمعی از کارمندان سلمان سازمان تعاون روستایی اردبیل - گروهی از کارکنان بیمارستان اسلام‌آباد غرب

کارکنان کارخانه کیمیدرو، تیریز - گروهی از کارکنان لنگرکود - کارکنان سینما مویان - کارکنان شرکت آذر الکتریک (سازمان) - انجمن کارکنان سلمان کمرک شهید کارکنان سلمان کوره‌مخانه‌های آمل جمعی از کارکنان سلمان مجتمع پتروشیمی شیراز - جمعی از کارکنان سلمان صنعت نفت آبادان هوادار سازمان مجاهدین خلق - جمعی از دهقانان سلمان حومه سومعه - دهقانان و سوانان هوادار سازمان کارکنان و دانشجویان سلمان خرم‌آباد - جمعی از کارمندان سلمان بانک بیمه ایران - شعبه رشت - کارمندان بوش شیراز هوایی - جمعی از کارکنان مهندسی کل کانیک ذوب آهن اصفهان - گروهی از کارکنان - جمعی از کارمندان نوسه استاندارد

دانش آموزان پیشرو و انقلابی:

انجمن دانش‌آموزان سلمان، ارک - جمعی از دانش‌آموزان دبیرستان رحیم‌بخش رحمی - گروهی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان دکتر حسین فاطمی، اهواز - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خواجه نصر جهوم - کانون دانش‌آموزان سلمان دبیرستان شریعتی مروند - انجمن دانش‌آموزان سلمان کارون - گروهی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان شتان دکتر شریعتی - انجمن دانش‌آموزان دبیرستان ۱۵۹۱، شاهرود - انجمن دانش‌آموزان و ملین سلمان قصرشیرین - طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران دبیرستان صدیق اسلام‌آباد غرب - گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان سلمان دبیرستان شراز - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان ستان باکسک انجمن دانش‌آموزان دبیرستان هفده شهریور - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان آرزوم - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان فارابی کرج - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان صدق - گروهی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان صمدیه دبیرستان آرزوم - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خيام - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستانهای باهلسر - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستانهای آمل - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان مهر - انجمن دانش‌آموزان سلمان شاخه عقه الاصلاح - انجمن دانش‌آموزان سلمان، شاخه حکمت انجمن هنرجویان سلمان هنرستان سعید محسن ملایر - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان متحدين، اهواز - دانش‌آموزان سلمان دبیرستان ابن‌سینای همدان، هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستانهای دخترانه سوزور - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستانهای دخترانه سوزور انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان سلمان فاطمه امینی آبادان - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان آرزوم کرج - دانش‌آموزان هوادار مجاهدین خلق، دبیرستان جنجوان دانش کرج - انجمن هنرجویان هنرستان ابوزر فارابی - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان امیرکبیر - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خلیف - دبیرستان فروغ - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خلیف نژاد، گلکاف - کانون دانش‌آموزان سلمان دبیرستان رفت اهواز - انجمن دانش‌آموزان و هنرجویان سلمان نیشابور - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان عبداللین اسدآبادی - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان ابن‌سینا - انجمن هنرجویان سلمان هنرستان متحدين - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان گاباد - انجمن دانش‌آموزان سلمان بنجورد - انجمن دانش‌آموزان سلمان شاخه هنرستان صنعتی تیریز انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان فاطمه امینی ماندوب - دانش‌آموزان شانه راهنمایی و مسات سلمان متهد - انجمن دانش‌آموزان سلمان مزند - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستانهای لاهجان - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان های کزازی کرمانشاه - انجمن هنر جوان سلمان مرکز آموزش کشاورزی سعیدآباد تیریز - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان مهدی رضایی لاهجان - انجمن دانش‌آموزان سلمان اسک گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانهای امیرکبیر، فردوسی، خدمات طوط آزادی بومن - دانش‌آموزان هوادار مجاهدین خلق - دبیرستان فروغ - دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خلیف نژاد.

انجمنهای دانشجویی:

گروهی از دانشجویان سلمان دانشگاه برجهند - انجمن دانشجویان سلمان تربیتی اهواز - انجمن دانشجویان سلمان دانشکده الهیات - انجمن دانش‌آموزان سلمان شاخه صنایع سلمان کرج - انجمن دانشجویان سلمان کرج - عده‌ای از دانشجویان سلمان و طبقه مرکز آموزش پادگان امام حسین - انجمن دانشجویان سلمان متحدين، راهنمایی تحصیلی، بهداشت مدارس، انستیتو تکنولوژی - انجمن دانشجویان سلمان دانشکده علوم شهید - دانشجویان سلمان مدرسه عالی بهداشت مدارس همدان - انجمن دانشجویان سلمان تربیت دبیر فنی رشت - لاکان - انجمن دانشجویان سلمان دانشکده متحدين فام نعلاری - دانشجویان سلمان نوری مقیم بابل - جمعی از دانشجویان سلمان دانشکده‌ها - جهوم - انجمن دانشجویان سلمان دانشکده علوم شامی کاتان - انجمن دانشجویان سلمان مدرسه عالی علوم مکرزی - گروهی از دانشجویان سلمان دانشگاه بروجرد - انجمن دانشجویان سلمان دانشگاه سیمان و بولجستان - انجمن دانشجویان سلمان دانشگاه دامپوری رازی کرمانشاه - دانشجویان سلمان انستیتو تکنولوژی کرمانشاه - بقیه در صفحه ۸

روکی راهبریز - کانون دانش‌آموزان سلمان دبیرستان ماهیه بازرگان - انجمن دانش‌آموزان و دانشجویان سلمان زنجان - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان لادپوش آبادان دانش‌آموزان سلمان دبیرستان آزادی جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان طالقانی - هواداران مجاهدین خلق دبیرستان محبوه متحدين تهابد - دانش‌آموزان دبیرستان آزاده - گروه دانش‌آموزان سلمان ابوجحان - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خيام - انجمن دانش‌آموزان سلمان متهد - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان شریعتی - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان فلان کرج - انجمن دانش‌آموزان سلمان تیریز، شاخه دهقان - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان آرزوم سلمان تیریز، شاخه دروس - انجمن دانش‌آموزان سلمان ماهشیر دانش‌آموزان سلمان دبیرستان متحدين سلمان دبیرستان آرزوم - انجمن دانش‌آموزان سلمان همدان - انجمن دانش‌آموزان سلمان کرج - انجمن دانش‌آموزان سلمان تیریز شاخه امیر خیری - جمعی از جوانان سلمان روستای شورین، همدان - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان شهرویی جمعی از هنرجویان هنرستان فنی لاهجان - انجمن دانش‌آموزان سلمان تیریز شاخه دهخدا - انجمن دانش‌آموزان سلمان تیریز شاخه غمی - انجمن دانش‌آموزان سلمان تیریز شاخه صدق امل - انجمن دانش‌آموزان سلمان تیریز شاخه صفا انجمن دانش‌آموزان سلمان تیریز شاخه ایراندخت - انجمن دانش‌آموزان سلمان بندر ماهشیر - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خيام لنگرکود - دانش‌آموزان سلمان دبیرستان رضایی فریدونکمار - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خلیف نژاد، گلکاف - کانون دانش‌آموزان سلمان دبیرستان رفت اهواز - انجمن دانش‌آموزان و هنرجویان سلمان نیشابور - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان جمال‌الدین اسدآبادی - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان ابن‌سینا - انجمن هنرجویان سلمان هنرستان متحدين - جمعی از دانش‌آموزان سلمان دبیرستان گاباد - انجمن دانش‌آموزان سلمان بنجورد - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستانهای لاهجان - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان های کزازی کرمانشاه - انجمن هنر جوان سلمان مرکز آموزش کشاورزی سعیدآباد تیریز - انجمن دانش‌آموزان سلمان دبیرستان مهدی رضایی لاهجان - انجمن دانش‌آموزان سلمان اسک گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانهای امیرکبیر، فردوسی، خدمات طوط آزادی بومن - دانش‌آموزان هوادار مجاهدین خلق - دبیرستان فروغ - دانش‌آموزان سلمان دبیرستان خلیف نژاد.

حمله سراسری ارتجاع به مراکز و هواداران مجاهدین خلق.

ناکی مرتجعین می تواند ماهیت ضد خلقی خود را در زیر نقاب اسلام خواهی !! پنهان ندارد!

حاجی خود جهت حملات سیاسی - اجتماعی اشان می نگریستند و به ویژه نسل جوان و انقلابی این مین خونا که تمامی آرمانهای انقلابی و مردمی اش را در وی می دید. به او امید بسته بود.

حضور فعال سازمان مجاهدین در صحنه انتخابات موانع نیروها را بر هم زد و میرفت گمیک نکل سیاسی - انقلابی متشکل از تمامی نیروهای انقلابی را در برابر تهدیدات امپریالیسم و پایگاه داخلی ارتجاع ایجاد نماید. لیکن هنگامی که امپریالیسم و پایگاه داخلی آغاز برگ خویش را در این حرکت نوین دیدند، دست به گسترش توطئه های ناجوانمردانه خود زدند و به انگل گوناگون سعی در همان آغاز اولین روز اعلام کاندید - نوری برادران مسعود رجوی چابانه های عربی و طولشان را نگار انداخته و با چاپ و انتشار اعلامیه های توجیهانه و شرم و زور سعی می کردند که چهره پاک و انقلابی برادران مسعود رجوی را خندندار کنند.

آنها صرفاً با این اعمال هم بسنده نکرده بلکه بوسله روزنامه های و با استفاده از تریبونهای مذهبی و استفاده از نهجیات مذهبی و احساسات پاک مذهبی مردم و همچنین وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو،

بخاطر خود ساختن و در و بیگانه است بلکه حفاظت از ساختن بطنی حفظ و حراست و ممن داشتن آرمان مجاهدین و ایدئولوژی راستین اسلام از حلات و تهاجمات مرتجعین

واما شرح واقعه

در روز جمعه ۲۸ دیماه حدود ساعت ۶ بعد از ظهر تعداد چند صد نفر از عناصر معلوم الحال و اوباش چسای بدست در مقابل سفارت سابق آمریکا تجمع نمود و سپس با بهره انداختن تظاهرات آنچنانی و تکرار شعارهای علیه سازمان مجاهدین و برادران مسعود رجوی در خیابان آیت الله طالقانی به طرف مرکز امداد پزشکی مجاهدین خلق واقع در خیابان بهار به حرکت در آمدند.

در ساعت ۶/۵ آنها به مقابل ساختمان امداد پزشکی مجاهدین رسیده و به شکل وحشیانه ای، نولوار از در و دیوار مرکز امداد بالا آمده و داخل حیاط شدند، و در حیاط از آن پشت باز کردند، و به ساختمان مسعود رجوی تهاجم کردند. متقابلاً خواهران و برادران ما که تعداد آنها از چند نفر تجاوز نمی کرد، قاطعانه در مقابل آنها ایستاده و اجازه نمی دادند که آنها داخل ساختمان شوند و از آنان سوال می کردند که شما به چه دلیل بدون

بالاخره خواهران و برادران ما توانستند پس از مدتی مقاومت با اراده های پولادین و با تکرار شعارهایی از قبیل تفرقه و جدائی سلاح آمریکائی اتحاد اتحاد، علیه امپریالیسم صف مرتجعین را درهم شکسته و آنان را اادار به عقب نشینی کنند. و با تظاهرات انقلابی مجاهدین، صدای مرتجعین خاموش گردید.

در این حمله وحشیانه در حدود ۱۰ نفر از خواهران و برادران ما به شدت مجروح شدند، که چند تن از خواهران از ناحیه سر و پیشانی آسیب دیدند، که پس از انجام کتکهای اولیه درآسامیتکابستر شدند، از برادران هم یک نفر بر اثر ضرباتی که بر سرش خورده بود بهوش به زمین افتاد و به بیمارستان منتقل گردید. دیگری که از بالای دیوار توسط به اصطلاح حوسبه الهی ها به پاشن پرت گردیده بود، پایش به شدت ضربه شده به نحوی که توان راه رفتن نداشت.

تعدادی از این مجروحان توسط سایر برادران و همچنین با کمک آمبولانسهای امداد طالقانی و وزارت بهداشتی و بهرستی به بیمارستانهای ابراهیم و فیروزگر منتقل شدند که پس از مدتی به مرکز امداد برگردانده شدند.

صداهای خواهر و برادر برای پاسداری از میراث خوسار مجاهدین

حمله اوباش به ستاد انتخاباتی مجاهدین در اصفهان

یکی از شهروانی که هواداران سازمان در آنجا مورد تهاجم وحشیانه اوباش آلت دست ارتجاع قرار گرفتند اصفهان بود که لاید خیر مختصر این ماجرا را که در تاریخ ۲۵ دیماه اتفاق افتاد در روزنامه خواننده، ما در اینجا شما را در جریان شروع این ماجرا قرار می دهیم:

وقتی که ستاد انتخاباتی سازمان مجاهدین در محل انجمن جوانان مسلمان اصفهان کار تبلیغی خود را شروع کرد، با مزاحمتها و برانگیزهای نظیر پاره کردن اعلامیه ها و پوستره های تبلیغاتی از سوی عناصر مرتجع روبرو شد که البته دور از انتظار نبود، اما هرچه جلوتر می رفتیم مرتجعین که به نظر می رسید از شناخته شدن مجاهدین از جانب مردم وحشت کرده اند بر آشوب کردند و آزارهای خود افزودند و به این شکل سازمان را آتش میزدند با پاره هواداران سازمان علناً حمله کرده و شتم ضربه نمودن آنها اوراق تبلیغاتی شان را آتش میزدند با پاره می کردند. همچنین مولا به این نحو عمل می کردند: پس از آنکه شناسائی کسانی که از انجمن خارج می شدند در یک فرصت مناسب آنها را در کوچه ها و خیابانهای اطراف مورد حمله قرار می دادند. این فشارها آنقدر بالا گرفت که برادران فعال در ستاد انتخاباتی به مسئولین استان و فرمانداری نسبت به این جریانها و امکان حمله عناصر مرتجع و موبایل ساواک هشدار دادند و مقامات مزبور نیز اعلامیه هایی در این زمینه صادر نمودند و به محرکین و عناصر متجاوز اخطار کردند. اما چنانکه دیدیم این هشدارها و اخطارها موثر واقع نشد و روز دوشنبه ۱۰/۲۴ یک عده کوچک هفت هشت نفری از عناصر اوباش و رجاله های شناخته شده که در جریانات بدعی هم نقش فعال داشتند در جلوی انجمن جمع شده و با عریضه کشی و پاره کردن پوسترها و اوراق تبلیغاتی که به دیوار ساختمان نصب شده بود و سپس با ضرب و شتم کسانی که به انجمن رفت و آمد می کردند سعی در ایجاد یک جو تحریک آمیز داشتند. برادران مستقر در انجمن با مشاهده این وضع با کلاشتری ۷ و سیاه پاسداران تماس گرفتند و جریان را به اطلاع آنها رساندند که متعاقب آن مأمورانی از کلاشتری و افرادی از سپاه آمدند و به ما همچنین توصیه کردند که محل را ترک کنند همچنین آنجا را ترک کردند و ماجرای آنروز به آنجا خانه یافت. برادران ما اساسی برخی از افراد مهاجم و محرک را که شناسائی کرده بودند به مأموران کلاشتری و افراد سپاه دادند تا از تحریکات و تهاجمات بدیشان جلوگیری شود.

ارتجاع مهاجم دنبال دستاویز بیهانه می گردد تا حمله خود را توجیه کند.

شنیده شده بود که مهاجمین دستاویز حمله خود را این قرار داده بودند که گویا هواداران سازمان اعلامیه ها و پوستره های مربوط به یکی از کاندیدها را پاره کرده یا پاره آنها اوراق تبلیغاتی خود را چسباندند. برادران ما با ستاد انتخاباتی کاندیدهای مزبور تماس گرفتند و آنها را در جریان امر قرار دادند و متذکر شدند که این اقرا تنها بهانه ای است که مقدمه حمله و تهاجم به انجمن میباشد. ستاد مزبور این طلب را ناپدید کرده و بویزه وجود توطئه علیه برادران ما را قبول داشتند.

بهر حال ظهر روز سه شنبه (۱۰/۲۵) باز همان عده لایق با یک جلوی ستاد جمع شدند شروع به دادن ضربه های در ضدیات با مجاهدین کردند، این افراد بعد از مدت کوتاهی در حالی که

تهدید می کردند شب بر میگردیم محل را ترک کردند و رفتند، اما همچنانکه وعده کرده بودند در ساعت ۵/۵ برگشتند ولی این بار گروههای دیگری هم که با ما شنیده شده به محل آمده و پیاده میشدند به آنها ملحق می گشتند، کاملاً معلوم بود که برنامه مشخص و از پیش تهیه شده ای دارند.

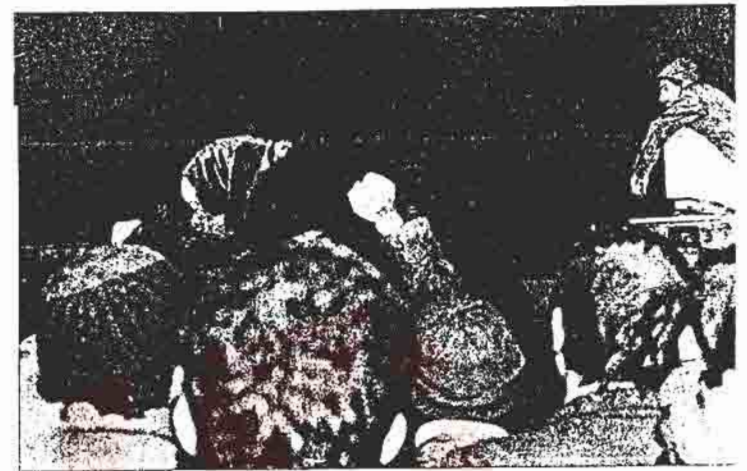
سردسته عناصر مهاجم چه کسانی بودند؟

به نیست اینجا اشاره ای به کارگردان صحنه صحنه ما نیز داریم و بینیم آنها چه کسانی هستند. بن نام نوبه، یکی از آنها حیدر زاده نام دارد، از اوباش خیابان عبدالرزاق است. زمان شاه در زندان اصفهان بود و در توطئه های برای سرکوب زندانیان سیاسی در سال ۵۶ از جانب رژیم ترتیب یافته بود شرکت داشت و زندانیان سیاسی را با چاقو شنبه ها می زدند. یکی دیگر از سردسته ها شخص بدنامی است به نام محمد سفیری که از اهالی شمن آباد خیابان کاوه است و اخیراً به جرم لواط ص فرجه شلاق خورد، و دادگاه شرع از او تهدید گرفته است که اگر یکبار دیگر مرتکب آن کارها بشود اعدایش خواهد کرد (ولایت به همین جهت جناب ایشان اکنون از این کارها می کنند) بقیه سردسته ها هم والا - مهائی از ضمن سنخ بودند که اگر لازم شد افاضتشان خواهیم کرد، بهر حال این اندازه برای شناختن کسانی که هجوم و حمله را سردستی می کردند کافیست.

این عده به محض تجمع شروع به عریضه کشی و پرتاب سنگ کردند. برادرانی که در ساختمان حضور داشتند ماجرا را اینطور تعریف می کنند: زیر باران سنگ و خرده شیشه قرار داشتیم، به کلاشتری ۷ ظن زدیم و نظامی یک کت گردیم، جواب دادند ما مأمور نداریم، به سیاه خیر

شماره میرنده رادلوژی ۷۱۷۱۷۱
تاریخ آرمایش ۵/۱۱/۲۵
اسم سخن رهن فروری
نوع آرمایش
سرویس پروتشناسی مرکز پزشکی غربی
دانشکده پزشکی
اسم سخن رهن فروری
نوع آرمایش
سرویس پروتشناسی مرکز پزشکی غربی

در این حمله بهجا مورد وحشیانه ترین شدت حمله قرار گرفتند و بسیاری به شدت کتک خوردند، بخوری که حال وحشی پیدا کردند، یکی از این افراد حسن وزیری زمان بود که پشتش از شدت ضربات گلوله آسمان شده و پایش شکسته بطوری که از جگ تا ران گج گرفته شده، و در اینجا برگ بیمارستان را که جهت تیراندازی می کشید! چند نفر هم زخمی شده اند...



فتنه گری، شکست، بازهم فتنه گری، بازهم شکست و سرانجام نابودی. اینست سرنوشته همه مرتجعین تاریخ

حکم دادستانی به خانه مردم و بیمارستان وارد شده بود؟ آنها وقحانه در جواب می گفتند که اینجا لانه جاسوسی است و باید تخلیه گردد و ضمناً ما باید اینجا را بازرسی کنیم! سپس وحشیانه به داخل ساختمان ریخته و با مشت و لگد و کابلها و چوبهائی که در زیر لباسها پنهان کرده بودند به ضرب و شتم برادران و خواهران گروه امداد ما پرداختند و می گفتند ما اینجا خواهیم ماند تا آتشی هادی غفاری بیاید، مهاجمین همچنین پوستره های انتخاباتی برادر مجاهدان مسعود رجوی را آتش زدند و شیشه های مرکز امداد را شکستند. سرانجام پس از مدتی تعداد زیادی از خواهران و برادران ما که از حمله مرتجعین آگاه شده بودند نتوانان خود را به مرکز امداد پزشکی رسانید، و عده های وارد حیاط شدند و مرتجعین و ریخته عده های دیگر در بیرون با ایجاد صفی مستحکم مانع نفوذ مرتجعین به داخل ساختمان گردیدند. در این هنگام که اوضاع بسیار متشنج و شلوغ شده بود پاسداران هم خیابانهای اطراف مرکز امداد را بسته و شروع به تیراندازی هوایی کردند و حوادث را زیر نظر داشتند ولی متأسفانه هیچ اقدامی در جهت دستگیری یا دفع مزاحمت مهاجمین بعمل نیامورد. همچنین نیز با پرتاب سنگ و حتی ضربه کابل تعدادی از هواداران را ضربه زدند،

ظهوریون حملات ناجوانمردانه خود را شدت بخشیدند. وقتی که دیدند مردم ما هوشیار تر از آنند که این باوه گونیه آنها را فریب دهد، با یک حرکت سیستماتیک در تهران و شهرستانها به مراکز مجاهدین حمله کردند و با هیچ عمل ارتجاعی فروگذار نکردند. در اصفهان بیزد، تربت حیدریه، سقزو... حملات متعددی صورت گرفت که به چند نمونه آنها در این شماره اشاره میکنیم و بقیه نمونه ها را به شماره های آینده موزون میکنیم.

حمله مرتجعین به مرکز امداد پزشکی مجاهدین

در تهران بعد از تحریک مردم در راهبانی روز پنجشنبه و سپس در نماز جمعه مرتجعین به مرکز ارتجاعی پزشکی مجاهدین خلق هجوم آوردند. محلی که قبلاً خانه سرهنگ زیبایی شکنمگر ساواک بود و در جریان انقلاب به جنگ مردم درآمد و مجاهدین خلق بعد از تیراندازی را به امداد پزشکی تبدیل نمودند.

این اولین باری نبود و نیست که مرتجعین به این محل حمله میکنند. تلاشیهای مذبحانهای که هر بار با شکست مقصضانه از مرتجعین و لیب های این بار نیز حمله مرتجعین و لیب های شناخته شده ای کندیاز می برمی نماندند با همت و مقاومت خواهران و برادران سرخست ما با شکست مواجه گردید. دفاع ما از ساختمان مرکز امداد نه

مردم و مجاهدین

ماه جزو زنده، فعال، مقاوم، سرسخت و پرامید حاکم بر هواداران انسان، در شرایط فشار و خفقان به خود می بالیم.

خواهران و برادران عزیز ما به جو زنده، پویا، مقاوم، سرسخت و پرامید حاکم بر هواداران ما بر خود می بالیم.

اگر قبول کنیم که معتبرترین خصوصیت یک موجود زنده در واکنشهای پیچیده و گسترده آن و به مراتب دیگر در قدرت انطباق فعال و مثبت آن با محیط پیرامونی نهنفته است و اگر بپذیریم که میزان رشد هر ارگانیسم نیز با میزان گستردگی و پیچیدگی ارتباطات و واکنشهای آن مستقیم است، میتوانیم ادعا کنیم که ما - مثله میثاق - زندهترین خوانندگان را داریم. درست به این دلیل که در سامان متعدد و زیادی که هر هفته به دستمان میرسد، هر کدام واکنشی است نسبت به یک مسئله خاص. گاهی از جویسهای پرامونتی نوشته‌اند، گاهی از کارخانه‌های حتی گاه این حساسیت و واکنشی که نشان میدهد آتقدر طرف است که خواننده را به تعجب وامیدارد. شما خواهر و برادر عزیز به واقع از نظر احساس

مسئولیت بطور کلی و حساسیت نسبت به محیطتان برای ما بسیار درس آموز هستند. رابطه فعالی که شما با واقع و مسائل سیاسی دور و برتان و با ما، چه بعنوان نشریه و چه بعنوان جزئی از کل ارگانیسم سازمان دارد قبل از هر چیز خبر از "زندگی بودن" خود شما می دهد که برای ما بسی جالب و انگیزنده است؛ چرا که ما تنها در فضای زنده و پویا قادر به تنفس و ادامه حیات هستیم.

شما را در سختترین شرایط و با کمترین امکانات تنها نگذاشته‌اند و با سخاوتی که گران به ناهای باری طلبانه‌مان به واقع مارا سرشته کرده است. کامیبت به نت و تابی که در معرض جریانات انتقادات ریاست جمهوری از خود نشان دادید، نگاهی بیاندازیم. از تپه و پخش اعلامیه و تراکت و پروپرتان خود تا تکت خوردن نان و توپین شدن هاپتان، از بی نخواستاری ما و تویسوز و سرما یبت تا سخنرانی و حمایت و فعالیتتان گرفته تا تکمیلی نقدی و مادیاتن همه و همه

زیند تا مسلسل (قسمت آخر)

فاجعه ۱۵ خرداد ۴۴ ما به نیروهای جبهه خلق، نشان داد که با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و راه‌آمل‌ها و فریستمی و پارلمان‌تاریستی میتوان در برابر رژیم که حق نفس کشیدن را به نیروهای مخالف خود نمی‌دهد و هرگونه تاراجی را با زبان مسلسل جواب میدهد مقاومت کرد و آن را از میدان بدر کرد. جبهه‌های ویتنام، الجزایر و کوبا نشان داده که قدرت، تنها از دانه تفنگ در می‌آید و نشان داد که امپریالیسم جز از کاتال مبارزه تهرامی حل‌شدنی نیست. گروه‌ها و سازمان‌های امیل و مردمی که بعد از ضربه ۱۵ خرداد تشکیل شدند، "تامان" به مبارزه مسلحانه روی آوردند و در روبرویی با اهرم‌های سرکوب رژیم مسلک، با شهادت‌های افراد شان در درگیری‌ها، زیر شکنجه‌ها و تحمل فشار و شکنجه‌های طاقت فرسای زندان، چهره دژخیمی رژیم را به توده‌ها نشان دادند و خاصه پس از سال ۵۰ سازمان‌های پینتاز سبیل در مقاومت در برابر رژیم ضد خلق شدند و فریاد بلند این مبارزان آزادی در شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام و رودگری‌ها هنگامیکه گلوله‌های سربی در خونشان بریز میزد عشقتان را در مردم محروم زنده کرد، و رشد فرابنده آنان، و عزیز رژیم را در نابودی انقلاب با آنهمه تسلیمات و ماشین‌های جنگی که داشت به‌عنوان نشان داد و نشان داد که رژیم ضربه ناپذیر نیست و میتوان با او درافتاد.

پس از تحمل سیاست جدید گارتز به ایران، زمینه مساعدی برای گشودن قدم‌های گسترده‌ای که در مردم در اثر سال‌ها خفقان تبارش بود پیش آمد و مردمی که سالها تعاقب جور بر شهر و دیوارشان بال گسترده بود و جزاوت حتی شکه کردن نداشتند فریادشان بلند شد و در گوش کوجه‌ها و خیابان‌ها پیچید و هر روز سارتر و سارتر گردید.

مرد می که ما یوسانه فکر میکردند که یک دست صدا ندارد، حالا در تلاطم هزاران مشت گره شده، هزاران فریاد همراه، مردمی را می‌دیدند که نشاط شهادت، بند بند وجودشان را به پرواز در آورده‌اند. مردمی که به تانکها و مسلسل‌ها و مفهاتی نا استوار دشمن اعتنا نمی‌نارند و می‌خورند و به پیش می‌نارند، و مرگ برادر، خواهر، فرزند را به سبکی و نرمی برکتشیرن پروانه میدهند، و زنگار بی‌گیر مسلک‌ها، فریادشان را به نمره بدل میکنند، و شاره‌اتان به کوبندگی میلیون‌ها پتک بر پیگر نظام یوسیده رژیم ضد خلقی کوبیده می‌نارند.

فریادهایی که برای مردم محروم، دشمنان دردند و برای دژخیمان پهلوی وسیله نابودی:

— لحظه به لحظه گوئیم، زیر شکنجه گوئیم؛ یا مرگ یا غنیمی
— مجاهدان زندانند، یا کشته‌در می‌یابند، ای جلااد مرگت باد
— زندانی سیاسی آزاد باید گردد
— زودتر آمریکایی اخراج باید گردد
— رژیم شاهنشاهی نابود باید گردد

نابود باد سلسله پهلوی، چون میکند توکری اجنبی رژیم خونخوار پهلوی، در برابر سبیل برپهوری خلق، چاره‌ای نمی‌بیند جز قتل و کشتار، و به این حربه تمام تن دکاتانورهای تاریخ منول میشود و می‌خواهد با کشتار، در برابر این طوفان خورشوده سدی ایجاد کند. غافل از اینکه، شهادت هر سد و بارویی را می‌روید و وقتی خلقی بخواهد آزاد زندگی کند، هیچ بند و زنجیری و شکنجه و کشتاری نمیتواند جلویگیرش شود.

کشتار بی‌رحمانه و تیر و تیریز و اصفهان و یزد و مشهد، آشفشان خشم مردم را شعلورتر کرد و شامه‌ها را به کالاه مبارزه با شاه، کشید: — این شاه آمریکایی، اعدام باید گردد — فرموده روح خدا چنین است. سکوت‌سازش گارخانین است

پس مردم بپایید، با ملت گوئید:

مرگ بر این شاه
مرگ بر این شاه
توده‌های ملیونی، در گرگانه‌نظارات بخون‌نشته، از عنق درد جزااله شدن عزیزانتان در گور، سبنا رکن آبادان، در اوج فاجعه میدان زاله، به حیاتی ترین وسیله، به اصولی‌ترین راه در نابود کردن رژیم و امپریالیسم می‌ریست. زاهی که فرزندانتان، سالها قبل به آن رسیده بودند و یاد و خاطرتان، در دلشان باقی بود، در مبارزه مسلحانه، آنها در تجربه خونین روزانه‌شان به حقیقت روشن رسیده بودند که تنها با مسلسل و نارنجک و سه واهی میتوان رژیم را به زانو در آورد:

— اگر به کشتار خلق، ادامه دهد این شیاه
جنگ مسلحانه به فرمان روح الله
مرگ بر شاه، مرگ بر شاه، مرگ بر شاه، مرگ بر شاه
— تنها ره‌هائی، راه مجاهدین است (راه جنگ مسلحانه است)
— برای جنگ با رژیم باید، تهیه کنیم اسلحه‌ای مجاهد

را یکسال عقب بیاوریم...
خواهری از یکی از روستاهای شمال، علیرغم داشتن رومانسیسم، کرایه ماشین را برایشان پست کرده است.

برادر دیگری بنام الف.ج. علیرغم داشتن زن و دو فرزند و سا وجود اجاره نشینی در ورمان واشتغال به کار در تهران، دوسوم حوشتی را برایشان فرستاده و متذکر شده که با همسرش قرار گذاشته که برای تأمین کسری حوشتی با یاد شهید مهدی رضایی یکماه روزه بگیرند... ما براستی در مقابل این همه محبت شما خجالت زده‌ایم و باید که برآستان چنین خلقی سر تسلیم فرود آوریم. انشالله که قدر این توده‌های پادینم و لایقش باشیم که اهداف انقلابی و توحیدی‌مان را جامه عمل بپوشانیم

باشهید دزدی اختراعات دیگران

عده‌ای زباید سوال رسیده در باره شهید زاهدی تحقیق می‌کنند که گویا گروهی در بوسترسخدا می‌آید اما وسیله اعلام می‌کنند که هنوز در این جریان اقدامی جز اختراعی نخواستیم کرد و از برادران ما سوارتو ره‌ال‌الدین می‌خواهیم دست از مبارزه نکشید و به صفوف پاداران را از عناصر صالح تصفیه نموده و این ارگان مردمی را از وجود افراد لایق پاک نمایند. ما ضمن ستایش از سخت‌کوشی و هشیاری این برادران توصیه می‌کنیم که هیچ‌گاه دشمن اصلی - آمریکا - را فراموش نکنند و از برادران پاسدار خود نیز می‌خواهیم به خواست بحق این عزیزان "جامه" عمل بپوشانند و با جد کردن صف خود از عناصر سلول‌الحال و مرتجع با دیگر نشان دهند که در صف خلق جای دارند. توجه مناصری را هم که حاضر به درک واقعیت نیستند و خیال می‌کنند که با تکتک دزدن و فحاشی و این‌فیل کارها، کاری از پیش‌برینند به جمله آخر نامه این برادران جلب می‌کنیم. مادماد بیشتر از این هم کتک بخوریم و ما سوال می‌کنیم که "مگر جستی" و "معدنی" و سایر جلادهای ساواک چقدر نتیجه گرفتند که شما تازه می‌خواهید طفل نوپای مکتب آنان باشید؟

برادر دیگری بنام حمید.ب. وار شهر ری برایشان گزارشی از بخش اعلامیه‌های نوشته که چگونه ماموران کتیه او را گرفته و کتک می‌زنند و اعلامیه‌هایش را پاره می‌کنند این برادر در آخر گزارشی از اذیت‌های مرتجعین بگوئیم با زور اسلحه و قدرت نتوانند توانست صدای ملت و مجاهدین را غایب کنند. بنظر ما این تذکر برادر وقتی تحقق می‌پذیرد که مقاومت‌های هوشمن مارشهای شجاعانه خوشش در پس آن باشد.

خواهری از شهباز بنام - م. م. برایشان گزارشی مسموم در مورد کتک اعلامیه و بوسترها سازمان در مدرسه‌شان داده و متذکر شده که وقتی با پارهای بوستریان روبرو می‌شود با تلاش زیاد عکاسی را پیدا کرده و به مدرسه می‌آورد و چندین عکس از صحنه‌های مختلف جریان می‌گیرد. و سه قطعه از آن را برایشان می‌فرستد این خواهر سوال کرده‌است "چه کسانی از گفتن رابطه با آمریکا الفنا باید گردد و جحت بفرستد؟" از کتب آرزوی بوقت برای این خواهر فعال و هشیار امیدواریم کسانی که بوستر ها را می‌کنند جوابی برای ایشان داشته‌باشند.

برادری بنام - م. ج. از مرکز آموزش بپرچند ما انتقاد کرده‌اند که خبر چند هفته پیش در مردم و مجاهدین به یورش کتک خوردن یکی از برادران سرباز به آن صورت درست و فریاد و یکتگر مفرض این خبر را برایشان فرستاد‌است. البته ما سعی می‌کنیم که حتی‌القدر اخبار درست نامه‌ها را منکس کنیم و از آنجا که شرح اطلاعات ما خواهران و برادران - بنام هستند در اکثر موارد کاری مستحصری از اطمینان به این خواهران و برادران در دستمان بر نمی‌آید. و این بعهده خواهران و برادران ما است که احساس مسؤلیت کنند و آنچه را که واقعیت دارد برایشان بفرستند. قابل تذکر است که ما هیچکس فرستادن شخصی نداریم و نهامت تک‌گوشمان در جهت صداقت و نایب است. از این جهت چنانچه در امکان غیر اشتباهی شده از برادران خود در یادگان بپرچند می‌خواهیم که فقط و فقط به عتاب‌هایی اشتباهی که بدست ما رسیده‌است بگذرانند و نه چیز دیگر. موفق باشید.

مالکیتشان نسبت به وارثین سازمان را از دست نداده‌اند، کاری جز ابزار تاسف از شرکت آقایان، در این سابقه‌کتیف شهید دزدی که از مدتی پیش توسط ایشان و ترجمین آغاز شده نیستونیم انجام دهیم.

برادری بنام - م. الف از قره ضیا‌الدین - آذربایجان فرسی - برایشان نوشته که در محلاتان چگونه فعالیت می‌کند و برخی از عناصر کمیته چگونه اعلامیه‌های ضد آمریکایی او را پاره می‌کنند. در مراجعه با مسئولین به ایشان جواب داده‌شده که که گله "خلق" را ننویسد چون مابه این گله حساسیت داریم! بالاخره در یکی از روزها که باغاق دو برادر دیگر مشغول کار تویسوزی، بیخ کاندیدی اما بودیم مورد تهاجم یکی از عناصر بدست گزار گرفته و بدخت ضروب می‌شوند. این برادران در مدرسه اعلامیه‌های تهیه می‌کنند و ضمن تکثیر آن خواستار رسیدگی به کارشان می‌شوند. در اعلامیه این برادران آمده‌است "از آنجا که ما نمی‌خواهیم تلاش‌های ما غیر از مبارزه با دشمن اصلی در راه دیگری هدر رود، بدین وسیله اعلام می‌کنیم که در مقابل این جریان اقدامی جز اختراعی نخواستیم کرد و از برادران ما سوارتو ره‌ال‌الدین می‌خواهیم دست از مبارزه نکشید و به صفوف پاداران را از عناصر صالح تصفیه نموده و این ارگان مردمی را از وجود افراد لایق پاک نمایند." ما ضمن ستایش از سخت‌کوشی و هشیاری این برادران توصیه می‌کنیم که هیچ‌گاه دشمن اصلی - آمریکا - را فراموش نکنند و از برادران پاسدار خود نیز می‌خواهیم به خواست بحق این عزیزان "جامه" عمل بپوشانند و با جد کردن صف خود از عناصر سلول‌الحال و مرتجع با دیگر نشان دهند که در صف خلق جای دارند. توجه مناصری را هم که حاضر به درک واقعیت نیستند و خیال می‌کنند که با تکتک دزدن و فحاشی و این‌فیل کارها، کاری از پیش‌برینند به جمله آخر نامه این برادران جلب می‌کنیم. مادماد بیشتر از این هم کتک بخوریم و ما سوال می‌کنیم که "مگر جستی" و "معدنی" و سایر جلادهای ساواک چقدر نتیجه گرفتند که شما تازه می‌خواهید طفل نوپای مکتب آنان باشید؟

برادری دیگری بنام حمید.ب. وار شهر ری برایشان گزارشی از بخش اعلامیه‌های نوشته که چگونه ماموران کتیه او را گرفته و کتک می‌زنند و اعلامیه‌هایش را پاره می‌کنند این برادر در آخر گزارشی از اذیت‌های مرتجعین بگوئیم با زور اسلحه و قدرت نتوانند توانست صدای ملت و مجاهدین را غایب کنند. بنظر ما این تذکر برادر وقتی تحقق می‌پذیرد که مقاومت‌های هوشمن مارشهای شجاعانه خوشش در پس آن باشد.

خواهری از شهباز بنام - م. م. برایشان گزارشی مسموم در مورد کتک اعلامیه و بوسترها سازمان در مدرسه‌شان داده و متذکر شده که وقتی با پارهای بوستریان روبرو می‌شود با تلاش زیاد عکاسی را پیدا کرده و به مدرسه می‌آورد و چندین عکس از صحنه‌های مختلف جریان می‌گیرد. و سه قطعه از آن را برایشان می‌فرستد این خواهر سوال کرده‌است "چه کسانی از گفتن رابطه با آمریکا الفنا باید گردد و جحت بفرستد؟" از کتب آرزوی بوقت برای این خواهر فعال و هشیار امیدواریم کسانی که بوستر ها را می‌کنند جوابی برای ایشان داشته‌باشند.

برادری بنام - م. ج. از مرکز آموزش بپرچند ما انتقاد کرده‌اند که خبر چند هفته پیش در مردم و مجاهدین به یورش کتک خوردن یکی از برادران سرباز به آن صورت درست و فریاد و یکتگر مفرض این خبر را برایشان فرستاد‌است. البته ما سعی می‌کنیم که حتی‌القدر اخبار درست نامه‌ها را منکس کنیم و از آنجا که شرح اطلاعات ما خواهران و برادران - بنام هستند در اکثر موارد کاری مستحصری از اطمینان به این خواهران و برادران در دستمان بر نمی‌آید. و این بعهده خواهران و برادران ما است که احساس مسؤلیت کنند و آنچه را که واقعیت دارد برایشان بفرستند. قابل تذکر است که ما هیچکس فرستادن شخصی نداریم و نهامت تک‌گوشمان در جهت صداقت و نایب است. از این جهت چنانچه در امکان غیر اشتباهی شده از برادران خود در یادگان بپرچند می‌خواهیم که فقط و فقط به عتاب‌هایی اشتباهی که بدست ما رسیده‌است بگذرانند و نه چیز دیگر. موفق باشید.

برادری بنام - م. الف از قره ضیا‌الدین - آذربایجان فرسی - برایشان نوشته که در محلاتان چگونه فعالیت می‌کند و برخی از عناصر کمیته چگونه اعلامیه‌های ضد آمریکایی او را پاره می‌کنند. در مراجعه با مسئولین به ایشان جواب داده‌شده که که گله "خلق" را ننویسد چون مابه این گله حساسیت داریم! بالاخره در یکی از روزها که باغاق دو برادر دیگر مشغول کار تویسوزی، بیخ کاندیدی اما بودیم مورد تهاجم یکی از عناصر بدست گزار گرفته و بدخت ضروب می‌شوند. این برادران در مدرسه اعلامیه‌های تهیه می‌کنند و ضمن تکثیر آن خواستار رسیدگی به کارشان می‌شوند. در اعلامیه این برادران آمده‌است "از آنجا که ما نمی‌خواهیم تلاش‌های ما غیر از مبارزه با دشمن اصلی در راه دیگری هدر رود، بدین وسیله اعلام می‌کنیم که در مقابل این جریان اقدامی جز اختراعی نخواستیم کرد و از برادران ما سوارتو ره‌ال‌الدین می‌خواهیم دست از مبارزه نکشید و به صفوف پاداران را از عناصر صالح تصفیه نموده و این ارگان مردمی را از وجود افراد لایق پاک نمایند." ما ضمن ستایش از سخت‌کوشی و هشیاری این برادران توصیه می‌کنیم که هیچ‌گاه دشمن اصلی - آمریکا - را فراموش نکنند و از برادران پاسدار خود نیز می‌خواهیم به خواست بحق این عزیزان "جامه" عمل بپوشانند و با جد کردن صف خود از عناصر سلول‌الحال و مرتجع با دیگر نشان دهند که در صف خلق جای دارند. توجه مناصری را هم که حاضر به درک واقعیت نیستند و خیال می‌کنند که با تکتک دزدن و فحاشی و این‌فیل کارها، کاری از پیش‌برینند به جمله آخر نامه این برادران جلب می‌کنیم. مادماد بیشتر از این هم کتک بخوریم و ما سوال می‌کنیم که "مگر جستی" و "معدنی" و سایر جلادهای ساواک چقدر نتیجه گرفتند که شما تازه می‌خواهید طفل نوپای مکتب آنان باشید؟

برادری دیگری بنام حمید.ب. وار شهر ری برایشان گزارشی از بخش اعلامیه‌های نوشته که چگونه ماموران کتیه او را گرفته و کتک می‌زنند و اعلامیه‌هایش را پاره می‌کنند این برادر در آخر گزارشی از اذیت‌های مرتجعین بگوئیم با زور اسلحه و قدرت نتوانند توانست صدای ملت و مجاهدین را غایب کنند. بنظر ما این تذکر برادر وقتی تحقق می‌پذیرد که مقاومت‌های هوشمن مارشهای شجاعانه خوشش در پس آن باشد.

خواهری از شهباز بنام - م. م. برایشان گزارشی مسموم در مورد کتک اعلامیه و بوسترها سازمان در مدرسه‌شان داده و متذکر شده که وقتی با پارهای بوستریان روبرو می‌شود با تلاش زیاد عکاسی را پیدا کرده و به مدرسه می‌آورد و چندین عکس از صحنه‌های مختلف جریان می‌گیرد. و سه قطعه از آن را برایشان می‌فرستد این خواهر سوال کرده‌است "چه کسانی از گفتن رابطه با آمریکا الفنا باید گردد و جحت بفرستد؟" از کتب آرزوی بوقت برای این خواهر فعال و هشیار امیدواریم کسانی که بوستر ها را می‌کنند جوابی برای ایشان داشته‌باشند.

برادری بنام - م. ج. از مرکز آموزش بپرچند ما انتقاد کرده‌اند که خبر چند هفته پیش در مردم و مجاهدین به یورش کتک خوردن یکی از برادران سرباز به آن صورت درست و فریاد و یکتگر مفرض این خبر را برایشان فرستاد‌است. البته ما سعی می‌کنیم که حتی‌القدر اخبار درست نامه‌ها را منکس کنیم و از آنجا که شرح اطلاعات ما خواهران و برادران - بنام هستند در اکثر موارد کاری مستحصری از اطمینان به این خواهران و برادران در دستمان بر نمی‌آید. و این بعهده خواهران و برادران ما است که احساس مسؤلیت کنند و آنچه را که واقعیت دارد برایشان بفرستند. قابل تذکر است که ما هیچکس فرستادن شخصی نداریم و نهامت تک‌گوشمان در جهت صداقت و نایب است. از این جهت چنانچه در امکان غیر اشتباهی شده از برادران خود در یادگان بپرچند می‌خواهیم که فقط و فقط به عتاب‌هایی اشتباهی که بدست ما رسیده‌است بگذرانند و نه چیز دیگر. موفق باشید.

نقش واحدهای میلیشیا در انتخابات ریاست جمهوری

فعالیت انتخاباتی برای یک کاندیدای انقلابی در این شرایط مناسبترین مبارزه سیاسی میلیشیا بر علیه امپریالیسم است.

اصلاحات ارضی و انقلاب سفید امیرکای شاه داشت، سعی در از بین بردن زمینهای عینی مبارزه در روستا های ایران بود. واز قضا برای مدتی هم طرح بودایی بودیزا را از پس (بعد از رفوم ارضی) امکان جنگ روستایی در ایران را بدلیل کاهش پتانسیل انقلابی روستا قبل از توده های شدن مبارزه در شهرها برود. بدین صورت منظور مرحله ای تنها راه مبارزه، جنگ چریک شهری بود. از اینجاست که سازمانهای پیش از مبارزات چریکی شهری دست میزنند. یک سازمان چریکی در دوران حیات خود و با عملکردی انقلابی اش با بالا بردن آگاهی توده های خلق نیروهای آماده را جذب و سازماندهی میکند و بتدریج سازمان خود را گسترش میدهد، ولی در این جا مسئله مهم اینست که گسترش یک سازمان چریکی در ارتباط نتواند با نیروهای آماده برای جنگ چریکی است و بدین لحاظ گسترش سازمان انقلابی در گام جنگ چریکی نامحسوس نیست، بلکه گام با رشد آگاهی ها و فعالیتات جنگ مسلحانه است. توده های چریک به ست سازماندهی شده برای یک جنگ مسلحانه تودمائی پیش میروند. تا به این حد که در یک کشور جبهه خلق بطور کامل سازماندهی و مسلح شده و در مقابل دشمن اش ایستادگی میکند. در این صورت آگاهی ها و فعالیتات جنگ مسلحانه در توده های سازماندهی شده به ست سازماندهی شده برای یک جنگ مسلحانه تودمائی پیش میروند. تا به این حد که در یک کشور جبهه خلق بطور کامل سازماندهی و مسلح شده و در مقابل دشمن اش ایستادگی میکند. در این صورت آگاهی ها و فعالیتات جنگ مسلحانه در توده های سازماندهی شده به ست سازماندهی شده برای یک جنگ مسلحانه تودمائی پیش میروند.

آینده انقلاب ایران و نقش میلیشیا

با نگاهی گذرا به انقلاب ایران و سیری که از سقوط رژیم دیکتاتوری شاه تا کنون پیموده است و با درک توطئه های امپریالیستها و مرتجعینی که سعی در تضعیف نیروهای انقلابی و افشادادن جو انقلابی دارند و از این راه میخواهند پایگاههای متزلزل خودشان را محکم کرده و زمینه تسلط مجددشان را برقرار کنند به این نتیجه میسریم که تحریک نیروهای انقلابی برای حفظ آزادیها و ارزشهای انقلاب توطئه های امپریالیسم را بی اثر نمیکند. البته چه با او بشویم یا آنگار نظامی برای سرکوب تطنی خلق متوسل شود. بدین لحاظ برای خنثی کردن این حربه نهائی امپریالیسم- دخالت و سرکوب نظامی- باید آموزش دیده و متشکل و مسلح شویم. و باید توانایی و تربیت نظامی خودمان را بالا ببریم. چرا که ما با امپریالیستها با اسارت است یا نبود، اگر نه در اسارت نمیدهم پس باید جنگیم. اما جنگ در ایجاد خلقی نیازمند

جنگ خلقی

گفتیم که در دوران احتیاط و فشار که سیمت نظامی ایست دشمن درسی شکار انقلابیون است. هر چه در شکل سازمان چریکی نمی توان مبارزه کرد، ولی وقتی ایجاد مبارزه گسترش پیدا کرد و توده های آگاهی سازماندهی یافته، دیگر نیوان با تشکلات خاص چریکی جویگویی آگاهی ها بوده و نیروها را بر علیه دشمن بسیج کرد. به میزان افزایش نیروهای سازمان یافته، خلق دشمن خربه پذیرترو صیفتر شده و قدرت عملگوش کاهش می یابد. در جنگ چریکی انقلابی مانند ماهی در جویبار هستند که به دریا می پیوندند، ولی در جنگ خلقی ماهی در خود ریاست. در جنگ خلقی که سرچشمه ده ساله هم می تواند با بکار گرفتن رهنمودهای سازمان انقلابی ضوابط نظامی به دشمن وارد کند. در

آگاهی سیاسی، اقتصادی و نظامی است که بایستی بطور سازمان یافته انجام گیرد. "میلیشیا" در خدمت تحقق این اهداف است.



چنین شرایطی، سازماندهی و نیروهای خلقی بهترین وظیفه سازمان انقلابی است. در جنگ خلقی که تمام جبهه خلق در مقابل دشمن بسیج شده است، بایستی در مقابل تانکهای های سیاسی، اقتصادی و نظامی دشمن آگاهی و تحرک لازم را داشت. در چنین شرایطی تمام خلق در حین انجام کار روزانه تودمائی و اقتصادی، آگاهی نظامی خود را افزایش میدهد.

بخیه از صفحه اول

فعالیت انتخاباتی برای یک کاندیدای انقلابی در این شرایط مناسبترین مبارزه سیاسی میلیشیا بر علیه امپریالیسم است.

از ضروری ترین کارهایی است که بمعهده سازمانهای انقلابی می باشد. چریک وشه چریک یا پارتیزان و میلیشیا در کنار هم استخوانبندی آرتش خلق و جنگ خلق را تشکیل میدهند که در آن سازمان انقلابی نقش قلب و فرمانده را دارد.

انتخابات ریاست جمهوری و نقش نیروهای انقلابی

پس از پیروزی قیام در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۵۷ آمریکا و ایستکان داخلی تمام نیروهای خود را بسیج کردند تا ضمن خواباندن شور انقلابی و با سه انحراف کشاندن سیر اصلی انقلاب، زمینه را برای سازش و خارج کردن صورت میگرفت، نتوانستند از تلاشهای گسترده و خستگی ناپذیر این واحدها جلوگیری کنند. البته شرح این حالات "بدا" باطله عموم خواهد رسید.

تعلیم سیاسی کارمیلیشیا

هر نیروی انقلابی و از جمله میلیشیا در شرایط مختلف نمیتواند صرف کار نظامی را پیشه کرده و مبارزه اش را فقط در ارتباط با سلاح جابه عمل ببیند. از آنجا که اساس کار نظامی هم با هدف سیاسی صورت می گیرد و رابطه نزدیکی بین کار نظامی و کار سیاسی وجود دارد، میلیشیا نیز بایستی تحرک سیاسی لازم را در رابطه با عملگردهای انقلابی و در رابطه با سایر نیروهای اجتماعی و شرایط محیطی برپا میزند. ... داشته باشد. خلاصه در مبارزه بر علیه امپریالیسم بایستی توان بازگرفتن هر امکان و هر شیبی را در خود ایجاد کنیم. همچنانکه امپریالیسم هم برای برانو درآوردن خلق از تانکهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی استفاده می کند، بنابراین نیروهای خلقی باید در تمام زمینه ها تحرک آگاهی و آگاهی سازمان یافته داشته باشند که دشمن را شکست دهند. فعالیت انتخاباتی برای پشتیبانی از یک کاندیدای انقلابی و یک برنامه و جبهه انقلابی ضد امپریالیستی، در این شرایط مناسبترین زمینه مبارزه سیاسی میلیشیا در چار چوب یک مبارزه گسترده تودمائی بر علیه امپریالیسم است.

همانطور که میلیشیا، گندم می کارد، در کارخانه تولید می کند، و به موقع سلاح بدست می گیرد و به کین دشمن می شنید؛ به موقع هم تحرک سیاسی نشان می دهد و بطور ارگانیک در ارتباطی نزدیک و تنگناک با سازمان انقلابی در میدان جدید حاضر به مبارزه است.

رابطه میلیشیا با سازمان انقلابی

وقتی صحبت از رابطه ارگانیک بین سازمان انقلابی و میلیشیا می کنیم منظور یک کار هماهنگ و با برنامه ماندن یک نفر واحد و یکپارچه است که این تون واحد را در شکل شامل آن ارتش خلق می گوئیم.

رابطه آن واحد و با فرد یا سازمان انقلابی نزدیک کرد. میلیشیا نمی تواند جدا از سازمان انقلابی و فرماندهاش کاری کند، برخورد های فردی، عدم رعایت سیر و تحمل انقلابی با بی هوصلگی و فدرجی بودن... نمیتواند نمایانگر یک رابطه انقلابی باشد. رابطه سازمان انقلابی و میلیشیا در عملگردهای انقلابی، مردمی، با نظم، پرسرپر و مقاومت و مسولانه و... خود را نشان می دهد.



وظایف میلیشیا و آموزش بطور خاص

دانش آموزان فرمان ایران که در قیام اخیر با یک جهش انقلابی عقب ماندگی تاریخی مبارزات دانش آموزی ایران را پشت سر گذاشته اند و در صحنه مبارزه ضد دیکتاتوری شور انقلابی و خستگی ناپذیری را به معرض نمایش گذارند. نشان دادند که فرزندان خلف انقلاب و نسل انقلابند و به گفته سراسر در مجاهد مسعود رجوی: "تیلور شرف امروز و امید فردای این میهنند.

در بین نیروها و انتشار اجتماعی

بویزه نیروهای انقلاب در صحنه سیاسی دانش آموزان از پرشورترین نیروها نست به انقلابیون و تحسین و بدین جهت در خور ستایش و تقدیر اند. دانش آموزان بخاطر داشتن شور انقلابی سرشار که از ویژگیهای نسل انقلابی است در صف مقدم سازماندهی میلیشیا قرار می گیرند. صبر انقلابی و انضباط و تحسین مبارزگشان که اساس داندن که در راه آرمان خلق محدود می کند در رابطه با نزدیک با نیروهای انقلابی قرار می گیرند.

این واقعیتی است که انقلاب

میهنان و مبارزات دانش آموزان دیگر کشورها انقلابی پرورش نشان داده است. بنابر همه دلالتی که اشاره شد، انتظار زیادی از میلیشیا های دانش آموز داریم، چه در تلاشهای سیاسی انتخاباتی گونگی چه در سایر حرکات سیاسی همای سازمان انقلابی، و به ویژه در ارائه تکرر و عمل انقلابی در مقابل شوههای ارتجاعی دشمن. روشن است که در هر برتو روحیه مقاوم و هشیارایی انقلابی، این نیروها از عهده این مسئولیت خطیر بر می آیند.

بدهیست که در هر صحنه ای از مبارزه اصلی (امپریالیسم) و پایگاههای داخلی اش از سازماندهی نیروهایشان غافل نیستند اما بایستی

نقش تعیین کننده و اساسی را در موضع گیریهای انقلابی با ارتجاعی دارند. صبر، تانت، تحرک، شور انقلابی، مقاومت و... در میلیشیا، بی صبری، نافرمانی، نافرمانی، و... در نیروهای دشمن، نتیجه اینست که در این میدان

نازه نبرد شورانگیز و افتخار آفرین است ایست؛ میلیشیا که به نیروهای پیششار خود، آگاهی قبول و تحمل هر رنج و سختی و شکنجه و زندان و... را برای بهروزی خلق دارند و این مفهوم واقعی "همزی میلیشیا و سازمان انقلابی است.

رهنمود برای میلیشیا

درست در آخرین لحظاتی که داشتیم این مقاله را به پایان می رساندیم با خبر شدم که اسم کاندیدهای ما را از لیست اشلی حذف کرده اند. چرا؟... صرنظر از دلایل آن که در جای خود به آن مواهم پرداخته، ساله مهم اینست که بدور از هر برخورد خود بخودی و یا هر حرکتی که ناخودآگاه خواهد در آن عملی را ایجاد کند، ببیند که در این شرایط وظایف و خطرات میلیشیا چیست و چگونه بایستی عمل کنیم.

مگر ما بخاطر بدست آوردن

یست و مقام در انتخابات شرکت کردیم که چیزی را از دست داده باشیم؟ مگر نه اینست که شرکت ما در انتخابات دقیقاً در رابطه با هدفهای ایدئولوژیک - سیاسی مان بود؟ مگر مسئولیت خطیر و تاریخی و انقلابی این مرحله از حرکت جامعه مان ایجاب نمی کرد که ما فعالان وارد این جریان شویم؟ مگر... جواب همه این سؤالات برای شما انقلابیون آگاه روشن است، بخصوص که در پیگیری هدفهایمان موفق بوده ایم.

بهرحال بدور از هر تنگنظری

طبقاتی و مومضت طلبی در برخورد با نیروهای مخالف و مرتجع بایستی هوشیاری لازم را بکار برده و مواضع انقلابی و کمونیسم را حفظ کنیم. لذا توجه برادران و خواهران دانش آموز را به رهنمودهای زیر جلب می کنیم:

- ۱- از آنجا که فقط و فقط در جریان عمل انقلابی است که ما ساخته می شویم بنابراین در برخورد با مسائل مربوط به تفاوت مواضع هر چه به خود نزدیک راه ندهید. و با آغوش باز به استقبال شرایط خاص هر مرحله بروید.
۲- از هر برخورد عاطفی، خود بخودی، عجولانه، عملی در قبال نیروهای ارتجاعی خودداری کرده و با کار توضیحی و اشتراکانه با دیگران برخورد نمائید.
۳- از نظر سیاسی، از آنجا که پوشمگیری اعما و ایستکان سازمان بویزه در مورد این ساله در رابطه با سازمان مشخص می شود، سعی کنید اصلاحیها و نقطه نظرات سازمان را در دقت مطالعه کرده و رهنمودهای عملی مشخص را در مورد بکار گردید. بخصوص برای پرزخ از برخورد با احساسی و یکجانبه، تا زمانیکه از موضع گیریهای سازمان مطلع نشده اید این مورد حرکت ناکاهانه ای انجام ندهید.

این جریان شدم با خلوص و باکی

عقدی هم از آن خارج می شویم و در همین رابطه سعی کنید این آیه از قرآن را شمار و ملاک عملتان قرار دهید: رت اذعین مذل صدیق و اخرجتی صرخ صدق واجل لپی من لکنک لشکانا تسیرا. (آیه ۸۰ سوره اسراء)

از علاقتان تقاضا می شود که مجاهد ملی خود را برای سازمان مجاهدین خلق ایران راه شرح بفرمایید. شماره: ۱۳۰۰۰ - بانک صادرات شعبه ۲۵۹ واقع در پونج سیروان ویزر تاملید و حواله ان را بصندوق پستی تهران ۱۶ - شماره: ۶۶/۱۱۸ - تهران ۱۶ - شماره: ۱۳/۱۳۲۵ ارسال دارید.